

### بیانیه مشترک



### اعلامیه کمیته مرکزی سازمان



### گرامی باد اول ماه مه روز همبستگی بین المللی کارگران

یازده اردیبهشت اول ماه مه، روز جهانی کارگر، تجسم همبستگی و اتحاد بین المللی طبقه کارگر علیه بهره کشی و بی عدالتی نظام سرمایه داری است. نظامی که در گریز از بحرانی که خود زاینده آن است، تجاوز گستاخانه به سطح معیشت کارگران و بازپس گیری دستاوردهای دهه ها مبارزه کارگران و زحمتکشان را به شکلی خشونت بار پیش می برد و اکنون همه جا نیز با مقاومت کارگران و زحمتکشان روبرو شده است. جنبش خشم و تسخیر 99 درصدی های جوانان تا تجمعات بزرگ توده ای و کارگری در پایتخت های اروپایی نمونه هایی از این مقاومت است.

بقیه در صفحه 4

**تراژدی خودکشی داروساز بازنشسته  
یونانی، ادعاینامه ای علیه نظام سرمایه داری!**

در صفحه 8

**تقی روزبه**

**از ریاض تا تهران  
پس لرزه های سوریه در منطقه ای پر تشنج**

**آلن گرش ترجمه: بهروز عارفی**  
در صفحه 9

**بازتاب یک پیام!**  
مجید دارابیگی

در صفحه 11

**کمیته مرکزی سازمان  
راسیسم و شوونیسم انجام گسیخته علیه خلق  
عرب خوزستان را محکوم مکنیم**

در صفحه 14

جهان در آستانه اول ماه مه ۲۰۱۲ (۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۱) همچنان در بحران عمیق اقتصادی و اجتماعی قرار دارد که از دسامبر ۲۰۰۷ در ایالات متحده آغاز شد، و به سرعتی چشمگیر کشورهای اروپایی را در بر گرفت و سپس غالب کشورهای سرمایه داری را در بحران فرو برد. علیرغم تزریق تریلیونی به نظام بانکی و مالی امریکا و اروپا، بحران نه فقط کاهش نیافته، بلکه شرایط اقتصادی و اجتماعی رو به وخامت بیشتری نهاده است. اجرای برنامه های ریاضت اقتصادی به ویژه در کشورهای بحران زده ای نظیر یونان، ایرلند، پرتغال، اسپانیا و ایتالیا نه فقط رشد اقتصادی را دچار افت و کسادی کرده، بلکه باعث کاهش تولید ناخالص ملی و افزایش بدهی- های این کشورها و افزایش شدید نرخ بیکاری و خاتمه خرابی میلیون ها کارگر و مزدبگیر شده است.

بقیه در صفحه 2

### پاسخ دست اندر کاران به اوضاع وخیم اقتصادی و سیاسی

بحران اقتصادی ای که از سال ۲۰۰۷ آغاز شد، همچنان در اغلب کشورهای سرمایه داری جا خوش کرده و دولت ها حتی در پیشرفته ترین کشورهای سرمایه داری هنوز نتوانسته اند چرخه ای به گل نشسته ی اقتصاد را به حرکتی دارای چشم انداز روشن و قابل پیش بینی در آورند. آن ها بجای پرداختن به ریشه های اساسی بحران با اندوخته هایی که حاصل دسترنج طبقات میانه و زحمتکش جامعه است به یاری سرمایه ی مالی - ربایی ورشکسته شتافتند و در واقع از همان راه کارها و شیوه هایی استفاده کرده اند که پس از بحران سال های ۱۹۲۹ تا سی دو استفاده کرده بودند.

بقیه در صفحه 6

## ادامه اعلامیه کمیته مرکزی سازمان ...

رانده شده‌اند. بنا به گزارشات رسمی تنها در سال گذشته بیش از یک صد هزار کارگر از کار اخراج شده‌اند. و این در حالی است که شورای عالی کار با تصویب ۳۹۰ هزار تومانی برای حداقل دستمزدها در سال ۹۱، توده عظیم کارگر و مزدبگیر را به فقر و نیستی محکوم کرده است. این حداقل حقوق، که یک چهارم خط فقر است، حتی میلیون‌ها کارگری را که در چهارچوب قانون کار نیستند را در بر نمی‌گیرد. رژیم اسلامی به سادگی میلیون‌ها کارگر و مزد و حقوق بگیر را در برابر تورم و گرانی کمرشکن بیدفاع میگذارد، و زندگی آنان را به نابودی می‌کشاند.

در برابر این سیاست ضد انسانی رژیم و برای بهبود شرایط زندگی و کار کارگران در ایران ما شاهد اعتصابات و اعتراضات گسترده بوده‌ایم. اعتصاباتی نظیر اعتصاب کارگران صنایع پتروشیمی ماهشهر و تبریز و اعتراضاتی که در مقابل دفتر ریاست جمهوری، مجلس اسلامی، وزارت کار، استانداری‌ها، فرمانداری‌ها و مراکز مختلف شهرها برگزار شده و با تحصن‌ها، بستن جاده‌ها و خیابان‌ها، راه پیمانی‌ها، نوشتن طومارهای اعتراضی، اعتصاب غذا و... همراه بوده است. شدت اعتراضات و خشم تظاهرکنندگان و اقدامات مایوسانه فردی نشانه اوضاع انفجاری است که ممکن است رژیم را به سوی بحران‌های بزرگ سوق دهد. سیاست رژیم در مقابل این اعتراضات سرکوب فعالان و رهبران تشکلهای کارگری بوده است. رضا شهبانی، علی نجاتی، شاهرخ زمانی، علی اخوان، بهنام ابراهیم زاده، محمد جراحی و ... هنوز در زندانند و تشکلهای مستقل کارگران و مزدبگیران مداوما زیر سرکوب و فشارهای نیروهای امنیتی و اطلاعاتی و سرکوب هستند. علیرغم همه این فشارها روحیه اعتراض و مبارزه بالاست و هر روز نیروهای تازه‌ای به جمع فعالان و تشکلهای کارگران و مزدبگیران افزوده می‌شود و همبستگی جهانی با کارگران زندانی و فعالان سندیکایی طنین گسترده‌تری پیدا می‌کند.

در این شرایط است که اول ماه مه فرا می‌رسد جنبش جهانی ضد سرمایه‌داری با اعلام اعتصاب عمومی مردم سراسر جهان را به اعتراض فراخوانده و از ۹۹ درصدی‌ها، آنان که نفعی در حفظ نظام غارتگرانه سرمایه‌داری ندارند دعوت کرده است به اعتصاب عمومی بپیوندند. بگذار چهاره اول ماه مه ۲۰۱۲ چهره دیگری از جهان ارائه کند. بگذار ما کارگران در یک روز به جنگ، به نابرابری، به استثمار، به بهره‌کشی، به زن ستیزی، به تبعیض، به شکلی همبسته نه بگوییم. بگذار کارگران ایران بر این خواست‌ها مهربی دگر باره زنند. کمیته مرکزی سازمان کارگران ایران- راه کارگر همگان را به شرکت در این جشن همبستگی جهانی در همه کشورها، برای همبستگی بین‌المللی علیه سرمایه و امپریالیسم دعوت می‌کند و در راستای گسترش همبستگی و اتحاد کارگری علیه رژیم اسلامی، علیه تحریم و جنگ طلبی، برای گسترش مبارزات کارگری، بر اجرای مطالبات اساسی که در بیانیه مشترک طرح شده مهرب تأکید می‌زند.

یک: پیکار همبسته کارگری علیه تجاوز روزمره دولت و سرمایه‌داران اصلی ترین اهرم طبقه کارگر در مبارزه برای مطالبات پایه‌ای آن و شکل دادن به آرایش سراسری کار در برابر سرمایه است. ایجاد تشکلهای مستقل کارگری، برپایی تجمع، تحصن و اعتصاب حق بدهی و خدشه‌ناپذیر کارگران است و باید بی قید و شرط تامین شود.

دو: عدم پرداخت دستمزد کارگران، مشارکت آگاهانه در سرقت دسترنج نیروی کار کشور است. حقوق معوقه کلیه کارگران

بحران در رومانی و مجارستان و دیگر کشورهای اروپای شرقی نیز با اجرای طرح ریاضت اقتصادی عمیق‌تر شده و علایم آن را می‌توان در فقر و بیکاری و خانه خرابی میلیون‌ها نفر از مردم، مهاجرت‌های گسترده جوانان به غرب اروپا و خالی شدن شهرها از نیروی جوان و ویرانی ساختارهای اجتماعی در این کشورها دید. امریکا و دیگر کشورهای سرمایه‌داری نیز وضعیتی مشابه دارند و سیاستی ضد اجتماعی و ضد کارگری در حال اجراست. این مسائل چشم‌اندازهای حل بحران و بهبود شرایط اقتصادی را در کوتاه مدت برای این کشورها ناممکن کرده است. واقعیت این است که برنامه‌های ریاضت اقتصادی در تمام کشورهای اروپایی باعث کاهش حقوق کارگران و مزدبگیران، افزایش شدید نرخ بیکاری، حذف بسیاری از خدمات اجتماعی و تشدید نابرابری‌های اجتماعی و گسترش فقر و نداری و خانه‌خرابی مردم شده است. بی سبب نبوده است که سال گذشته یونان، اسپانیا، ایتالیا، بریتانیا و بسیاری دیگر از کشورهای اروپایی شاهد اعتراضات گسترده مردمی بود که نظام بهره‌کشی سرمایه‌داری جهانی را به چالش کشیده بودند. در همه کشورهای سرمایه‌داری این بحران، شبیح وحشتناکی از بحران‌های پایان‌ناپذیر اقتصادی و اجتماعی به وجود آورده، و ترس از بیکاری و خانه خرابی بر جامعه سایه افکنده، و طبقات حاکم بی شرمانه هزینه‌های حل بحران را به صورت تشدید برنامه‌های ریاضت اقتصادی به طبقه کارگر و مزدبگیران تحمیل کرده‌اند.

در برابر بی اعتباری راه‌حل‌های ارائه شده توسط سرمایه‌داری حاکم، علیه گسترش همه جانبه بی عدالتی و تعرض گام به گام به همه دست‌آوردهای مثبتی که حاصل پیکار نسل‌ها علیه سرمایه داری بوده است، مبارزه طبقاتی حقوق بگیران و جوانان در سراسر کشورهای اروپایی و امریکایی در عرصه‌های گوناگون در حال اوج گیری است. جنبش ضد سرمایه‌داری جهانی در ابعادی گسترده میلیون‌ها نفر را به خود جلب کرده و "جنبش اشغال" از امریکا تا اسپانیا، از بریتانیا تا استرالیا، از مصر و تونس تا ژاپن و افریقای جنوبی در ابعاد گوناگونی ادامه دارد و نظام نابرابر سرمایه و سیاست‌های غیر انسانی آن را به چالش کشیده‌اند که عامل فقر، بیکاری، فحشا، اعتیاد، فلاکت، سرکوب و جنگ به شمار می‌رود.

در ایران اسلامی، ما با شرایطی بس وحشتناک‌تر روبرو هستیم. بحران جهانی سرمایه از یکسو و تحریم بین‌المللی ایران از سوی قدرت‌های امپریالیستی از سوی دیگر و سیاست‌های فاجعه بار حکومت اسلامی، ابعاد بحران را دو چندان کرده است. طبقه کارگر ایران در شرایطی به استقبال اول ماه مه می‌رود که در اثر هدفمند کردن یارانه‌ها و خصوصی سازی‌ها و تحریم‌های بین‌المللی، هستی و معیشت میلیون‌ها خانوار کارگری در معرض اضمحلال و نابودی است. اخراج‌های گسترده، بیکاری چند میلیونی، دستمزدهای زیر خط فقر، عدم پرداخت دستمزدها، قراردادهای موقت و سفید امضا، تورم سرسام آور و گرانی بی حد و حصر زندگی را چنان سخت و سهمگین کرده که بسیاری از خانواده‌ها در معرض فروپاشی اند. آمار خودکشی، اعتیاد و فحشا و بی خانمانی در بالاترین سطح ممکن در تاریخ کشور است. در همین حال سران حکومت اسلامی در سال به اصطلاح تولید ملی و حمایت از سرمایه ایرانی، کارگران را به تحمل استثمار و بردگی بیش‌تر فرامی‌خوانند و در آغاز سال هزاران کارگر به جای آغاز اولین روز کار با حکم اخراج مواجه شده و به خیل عظیم بیکاران

باید بدون هیچ بهانه‌ای پرداخت و خسارات ناشی از تاخیر آن جبران گردد.

سه: در نظام سرمایه‌داری، حداقل دستمزد حاصل واقعی ارزش کار کارگر نیست، هزینه بازتولید بخشی از نیروی کار اوست. در شرایطی که رانت‌خواران حکومتی میلیاردها تومان از دارایی‌های مردم را اختلاس می‌کنند و اقلیتی مفتخور از همه چیز برخوردار است، تعیین حداقل دستمزد زیر خط فقر، توهین به منزلت انسانی و تهدید حق حیات کارگران است. دستمزد باید منطبق با نرخ واقعی تورم و هزینه متوسط یک خانوار، از سوی نمایندگان واقعی خود کارگران تعیین شود.

چهار: شرکت‌های پیمان کاری باید برچیده شده، قراردادهای موقت و سفید امضا ممنوع گردد و امنیت شغلی کارگران از طریق انعقاد قراردادهای مستقیم و دسته جمعی تامین شود. بیکاران باید تحت پوشش بیمه‌های بیکاری قرار گرفته و اخراج از کار متوقف شود.

پنج: حاکمیت سرکوبگر با غارت میلیاردها دلار ثروت‌های نفتی و بالا آوردن بدهی‌های کلان، به جان بیمه‌های اجتماعی افتاده و به جای پرداخت بدهی‌ها و اجرای تعهدات خود در شرایطی که گرانی بیداد می‌کند و هزینه‌های کمرشکن درمان عامل رانده شدن به زیر خط فقر است، راه تشدید محرومیت کارگران از دسترسی به خدمات بیمه‌های تامین اجتماعی را در پیش گرفته است. برخورداری از بیمه‌های تامین اجتماعی حق عموم مردم و کارگران و زحمتکشان کشور است، نه ماشین سود اقلیتی سوداگر و عرصه جولان مدیریتی امتحان پس داده‌های جنایت-کده کهریزک. سازمان تامین اجتماعی باید در سراسر کشور از سوی نمایندگان واقعی تشکل‌های مستقل کارگری اداره شود.

شش: همه قوانین تبعیض‌آمیز نسبت به زنان باید لغو گردیده، برابری دستمزد زنان و مردان برای کار مساوی تامین گردد. پیوند جنبش کارگری و جنبش زنان مستلزم مقابله با بهره‌کشی بیرحمانه از کار زنان به عنوان محروم‌ترین و بی حقوق‌ترین بخش مزدگیران و سازماندهی توده زنان کارگر است.

هفت: کار کودکان باید ممنوع شود و هر طرحی برای رسمیت دادن به کار کودکان چه به نام "اصلاحیه قانون کار" و چه غیر آن محکوم است. برخورداری کامل همه کودکان، صرف نظر از ملیت، نژاد، مذهب، جنسیت و مهاجرت از امکانات رفاهی، آموزشی، بهداشتی و خدماتی باید به عنوان یک اولویت اساسی اجتماعی در همه عرصه‌ها به رسمیت شناخته شود.

هشت: حاکمیت، فریادهای کارگران گرسنه معترضی را که ماههاست حقوق نگرفته‌اند با ضرب و شتم و برخورد امنیتی پاسخ می‌دهد، همچنین فعالان جنبش ملیت‌های تحت ستم، جنبش زنان، جوانان و دانشجویان، فعالان جنبش کارگری را نیز تحت پیگرد و سرکوب دائم قرار داده و با برپایی چوبه‌های دار برای قربانیان آسیب‌های اجتماعی در ملاءعام، اربعاب و وحشت پراکنی را به شیوه عادی حکومت‌گری تبدیل کرده است. ما خواهان لغو مجازات اعدام، آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و کارگران زندانی، و برچیده شدن بساط سرکوب و اختناق هستیم. ما ضمن حمایت از مبارزه جنبش‌های اعتراضی علیه رژیم سرمایه داری مذهبی حاکم، همه حامیان آزادی و عدالت اجتماعی را به همسویی گسترده مبارزاتی علیه اعدام، سرکوب و شکنجه فرامی‌خوانیم.

نه: کارگران مهاجر بی حقوق‌ترین بخش نیروی کار را تشکیل می‌دهند که علاوه بر اشتغال به کارهای سخت و دستمزد ناچیز در معرض تعقیب و آزار و اخراج قرار می‌گیرند و ناتوانی حاکمیت در تامین اشتغال به شیوه نژادپرستانه به آنان منتسب

می‌شود. اخراج کارگران مهاجر باید پایان یابد و مهاجرین و خانواده‌هایشان باید از حقوق و مزایای سایر کارگران برخوردار باشند.

ده: در شرایطی که بار اصلی گسترش بحران اقتصادی در اثر برچیده شدن یارانه‌ها و تشدید تحریم‌های اقتصادی ایران، بر دوش کارگران و زحمتکشان سنگینی می‌کند، برخورد با فعالین و سازمان‌گران اعتراضات کارگری شدت یافته است. راه مقابله با این تعرض رژیم ضد کارگری حاکم تشکیل کمیته و نهادهای حمایت از اسرای جنبش کارگری در داخل، و گسترش اتحاد عمل میان همه مدافعان جنبش کارگری در داخل و خارج، و جلب هر چه موثرتر همبستگی بین المللی با مبارزات کارگری است.

یازده: کارگران ایران نه تنها از حقوق کارگری که به عنوان اقلیت‌های ملی از حقوق بدیهی ملی خویش هم محروم اند. جنبش کارگری متحد جنبش‌های ملی و خواهان رفع هر نوع ستم ملی و تبعیض از همه ملیت‌های ایران است و از مبارزات ملیت‌های ایران پشتیبانی می‌کند.

دوازده: تحریم اقتصادی بیش از نظام جمهوری اسلامی، زندگی اکثریت عظیم مردم و کارگران و زحمتکشان را نشانه گرفته و عملاً مجازات توده‌ای قربانیان دیکتاتوری حاکم است. تهدید به تجاوز نظامی و فضای جنگی، بهانه گسترش سرکوب مبارزات حق‌طلبانه جنبش‌های مختلف اعتراضی را فراهم می‌کند. ما مخالفت قاطع خود را با ماجراجویی‌ها هسته‌ای رژیم اسلامی از یک سو و با تحریم اقتصادی، تجاوز نظامی و هر نوع مداخله جویی و سلطه‌طلبی امپریالیستی از سوی دیگر، اعلام می‌داریم. سیزده: مبارزات آزادیخواهانه در خاورمیانه اوج می‌گیرد و جنبش‌های کارگری در تونس، مصر و سایر کشورهای عربی از پی بیداری دنیای عرب گسترش می‌یابند. ما همبستگی خود را با مبارزات کارگران ترکیه؛ نفت‌گران و تشکل‌های کارگری عراق و مبارزات کارگری در خاورمیانه، مبارزات کارگری اوج یابنده در اروپا، جنبش خشم و تسخیر و همه مبارزات ضد سرمایه داری در سراسر جهان اعلام می‌کنیم و در مبارزه برای دنیایی عاری از بهره‌کشی و دیکتاتوری در کنار این مبارزان هستیم.

چهارده: اقدام مشترک در طرح مطالبات اساسی کارگران ایران به سنتی مثبت در جنبش کارگری ایران و به شکلی از همبستگی جبهه کار در برابر سرمایه تبدیل شده است. ما از همکاری همه تشکل‌های کارگری داخل کشور در طرح مطالبات مشترک کارگران ایران و همگامی و همکاری مشترک برای دستیابی به آنها حمایت می‌کنیم

پانزده: کارگران ایران در مبارزه علیه دیکتاتوری حاکم تنها نیستند و نباید تنها بمانند. ما خواهان جلب هر چه گسترده‌تر حمایت بین المللی از جنبش کارگری ایران توسط تشکل‌های مستقل و جنبش‌های کارگری و گسترش فعالیت‌ها و اقدامات موثر در این مسیر هستیم.

شانزده: ما خواهان پذیرش اول ماه مه به عنوان روز تعطیل رسمی و لغو هر گونه ممنوعیت و محدودیت در برگزاری مراسم این روز از سوی کارگران و زحمتکشان هستیم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

زنده باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران-راه کارگر

ردیبهشت ۱۳۹۱ - آوریل ۲۰۱۲

## ادامه بیانیه مشترک بمناسبت اول ماه مه

عامل رانده شدن به زیر خط فقر است، راه تشدید محرومیت کارگران از دسترسی به خدمات بیمه های تامین اجتماعی را در پیش گرفته است. برخورداری از بیمه های تامین اجتماعی حق عموم مردم و کارگران و زحمتکشان کشور است، نه ماشین سود اقلیتی سوداگر و عرصه جولان مدیریتی امتحان پس داده های جنایتکده کهریزک. سازمان تامین اجتماعی باید در سراسر کشور از سوی نمایندگان واقعی تشکل های مستقل کارگری اداره شود.

شش: همه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان باید لغو گردیده، برابری دستمزد زنان و مردان برای کار مساوی تامین گردد. پیوند جنبش کارگری و جنبش زنان مستلزم مقابله با بهره کشی بیرحمانه از کار زنان به عنوان محروم ترین و بی حقوق ترین بخش مزدگیران و سازماندهی توده زنان کارگر است.

هفت: کار کودکان باید ممنوع شود و هر طرحی برای رسمیت دادن به کار کودکان چه به نام "اصلاحیه قانون کار" و چه غیر آن محکوم است. برخورداری کامل همه کودکان، صرف نظر از ملیت، نژاد، مذهب، جنسیت و مهاجرت از امکانات رفاهی، آموزشی، بهداشتی و خدماتی باید به عنوان یک الویت اساسی اجتماعی در همه عرصه ها به رسمیت شناخته شود.

هشت: حاکمیت فریادهای کارگران گرسنه معترضی را که ماههاست حقوق نگرفته اند با ضرب و شتم و برخورد امنیتی پاسخ می دهد، همچنین فعالین جنبش ملیت های تحت ستم، جنبش زنان، جوانان و دانشجویان، فعالین جنبش کارگری را نیز تحت پیگرد و سرکوب دائم قرار داده و با برپایی چوبه های دار برای قربانیان آسیب های اجتماعی در ملاعام، ارباب و وحشت پراکنی را به شیوه عادی حکومتگری تبدیل کرده است. ما خواهان لغو مجازات اعدام، آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و کارگران زندانی، و برچیده شدن بساط سرکوب و اختناق هستیم. ما ضمن حمایت از مبارزه جنبش های اعتراضی علیه رژیم سرمایه داری مذهبی حاکم، همه حامیان آزادی و عدالت اجتماعی را به همسویی گسترده مبارزاتی علیه اعدام، سرکوب و شکنجه فرامی خوانیم

نه: کارگران مهاجر بی حقوق ترین بخش نیروی کار را تشکیل می دهند که علاوه بر اشتغال به کارهای سخت و دستمزد ناچیز در معرض تعقیب و آزار و اخراج قرار می گیرند و ناتوانی حاکمیت در تامین اشتغال به شیوه نژادپرستانه به آنان منتسب می شود. اخراج کارگران مهاجر باید پایان یابد و مهاجرین و خانواده هایشان باید از حقوق و مزایای سایر کارگران برخوردار باشند.

ده: در شرایطی که بار اصلی گسترش بحران اقتصادی در اثر برچیده شدن یارانه ها و تشدید تحریم های اقتصادی ایران، بر دوش کارگران و زحمتکشان سنگینی می کند، برخورد با فعالین و سازمان گران اعتراضات کارگری شدت یافته است. راه مقابله با این تعرض رژیم ضد کارگری حاکم تشکیل کمیته و نهادهای حمایت از اسرای جنبش کارگری در داخل و گسترش اتحاد عمل میان همه مدافعین جنبش کارگری در داخل و خارج، و جلب هر چه موثرتر همبستگی بین المللی با مبارزات کارگری است.

یازده: کارگران ایران نه تنها از حقوق کارگری که به عنوان اقلیت های ملی از حقوق بدهی ملی خویش هم محرومند. جنبش کارگری متحد جنبش های ملی و خواهان رفع هر نوع ستم ملی و تبعیض از همه ملیت های ایران است و از مبارزات ملیت های ایران پشتیبانی می کند.

دوازده: تحریم اقتصادی پیش از نظام جمهوری اسلامی، زندگی اکثریت عظیم مردم و کارگران و زحمتکشان را نشانه گرفته و

برای طبقه کارگر ایران نیز روز جهانی کارگر روز فریاد خشم و اعتراض علیه رژیم سرمایه داری مذهبی و محرومیت های فاجعه باری است که زندگی آنان را با فقر مضاعف و چشم انداز تباهی های بیشتر انباشته است: برچیدن یارانه ها و ربودن آخرین لقمه های نان از سفره های کارگران و زحمتکشان، تحمیل رژیم گرسنگی به خانوارهای کارگری از طریق نپرداختن دستمزدها برای ماههای طولانی، خودداری از تعیین حداقل دستمزد مناسب با نرخ تورم و هزینه متوسط یک خانوار، اخراج های وسیع از کار و سرکوب و وحشیانه اعتراضات برحق کارگران، دستگیری و زندانی کردن فعالان کارگری به بهانه های گوناگون، نابودی حداقل امنیت شغلی از طریق گسترش شرکت های غارتگر پیمانی و قراردادهای موقت سفید امضا و رشد فزاینده حوادث کار و تبدیل مراکز کار به قتلگاه کارگران، با ورشکستگی رو به گسترش واحدهای تولیدی و خدماتی در اثر تشدید تحریم های مرگبار اقتصادی، سقوط ارزش پول کشور (ریال) و تورم ناشی از آن و خطر جنگ و تجاوز امپریالیستی به ایران درهم آمیخته و شرایط زندگی میلیونها کارگر و زحمتکش را به جهنمی تحمل ناپذیر تبدیل کرده است. اعتراضات کارگری یک سال اخیر اما نشان داده است که طبقه کارگر ایران در برابر این همه ظلم و بی عدالتی سکوت نکرده و تسلیم نشده است. ما در راستای گسترش همبستگی و اتحاد کارگری علیه رژیم سرمایه داری مذهبی حاکم، علیه تحریم و جنگ طلبی، برای گسترش مبارزات کارگری، بر اجرای مطالبات اساسی زیر تاکید داریم: یک: پیکار همبسته کارگری علیه تجاوزات روزمره دولت و سرمایه داران اصلی ترین اهرم طبقه کارگر در مبارزه برای مطالبات پایه ای آن و شکل دادن به آرایش سراسری کار در برابر سرمایه است. ایجاد تشکل های مستقل کارگری، برپایی تجمع، تحصن و اعتصاب حق بدهی و خدشه ناپذیر کارگران است و باید بی قید و شرط تامین شود.

دو: عدم پرداخت دستمزد کارگران، مشارکت آگاهانه در سرقت دسترنج نیروی کار کشور است. حقوق معوقه کلیه کارگران باید بدون هیچ بهانه ای پرداخت و خسارات ناشی از تاخیر آن جبران گردد.

سه: در نظام سرمایه داری، حداقل دستمزد حاصل واقعی ارزش کار کارگر نیست، هزینه بازتولید بخشی از نیروی کار اوست. در شرایطی که رانت خواران حکومتی میلیاردها تومان از دارایی های مردم را اختلاس می کنند و اقلیتی مفتخور از همه چیز برخوردار است، تعیین حداقل دستمزد زیر خط فقر، توهین به منزلت انسانی و تهدید حق حیات کارگران است. دستمزد باید منطبق با نرخ واقعی تورم و هزینه متوسط یک خانوار، از سوی نمایندگان واقعی خود کارگران تعیین شود.

چهار: شرکت های پیمان کاری باید برچیده شده، قراردادهای موقت و سفید امضا ممنوع گردد و امنیت شغلی کارگران از طریق انعقاد قراردادهای مستقیم و دسته جمعی تامین شود. بیکاران باید تحت پوشش بیمه های بیکاری قرار گرفته و اخراج از کار متوقف شود.

پنج: حاکمیت سرکوبگر با غارت میلیاردها دلار ثروت های نفتی و بالا آوردن بدهی های کلان، به جان بیمه های اجتماعی افتاده و به جای پرداخت بدهی ها و اجرای تعهدات خود در شرایطی که گرانی بیداد می کند و هزینه های کمرشکن درمان

کمیته دفاع از مبارزات مردم ایران- بلژیک  
کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران - برلین  
www.asj-iran.com سایت علیه ستم جنسیتی  
www.radiobarabari.com رادیو- تلویزیون برابری  
کانون ایرانیان مدافع صلح ، آزادی و عدالت اجتماعی - ونکوور  
اتلاف ملی دموکراتیک ایرانیان در داخل کشور - امداد داخل کشور

#### اسامی افراد :

حسن حسام - پیروز زورچنگ - ابراهیم آوخ - آرش کمانگر - فریبا ثابت - بیژن سعید پور - ایرج حیدری - حسین دولت آبادی - اکبر دیلمی - بهروز فراهانی - علی اعتدالی - حشمت محسنی - حمید جهانبخش - علی دماوندی - مجید دارابیگی - بهرنگ آبکناری - خسرو آهنگر - حمید پور قاسمی - حسین نقی پور - سیامک جهانبخش - باقر ابراهیم زاده - تقی روزبه - نسیم صداقت - فرج الیاری - رسول شوکتی - سیمین دبیری - کاوه اهنگر - محمد رضا باقری - حسین قاضی - نسرین احمدی - کی تاش شمس - فریبا امیر خیزی - شهاب سیروان - محمود بدریان - شهاب برهان - مجید میرزایی - علی پیچگاه - بهنام چنگانی - مرجان افتخاری - هوشنگ حسین پور - برهان عظیمی - علی دروازه غاری - عباس مظاهری - اسفندیار منفرد زاده - م . ا . جزایری - صادق کمالی - سعید رحیمی - سیمین روزگرد - حسن آردین - مونی کاشف - آما دور - نویدی - سعید زنده دل - اکرم پدارم نیا - وحید یوسفی - لاله آذر - الیاس اسکی - علی جزایری - سیامک قبادی - رضا طاهری - بیژن جلالی - بیژن اسکندری - یونس پارسا بناپ - جمشید برمکی - علی آتش - علیرضا کیا - برزو فولادوند - فریبرز امید - امید فریاد - عطار ملک - محسن رضوانی - ارژنگ بامشاد - ابوالحسن عظیمی - احمد نوین - احمد شکوهی - احمد راستی - امیر جواهری لنگرودی - بهروز نظری - بهروز پیله ور - بهزاد جوادیان - پروانه حاجیلو - پریسا آزادیان - پتی محمد بلوچ - پرویز جواهری - ترانه امیری - تهمینه بقایی - جلال نادری - جواد قدسی - حمید آذر - حسین توسلی - حمید روشن - داریوش ارجمند - رفعت رنجبران لنگرودی - روبین مارکاریان - رضا چیت ساز - رضا سپید رودی - رضا آبادی - رحیم استخری - رضا رئیس دانا - سیما ریاحی - سیرانوش مرادیان - سروژ قازاریان - سیاوش میرزایی - سعید رحیمی - شهاب شکوهی - صادق افروز - عصمت طالبی - علی جالینوسی - علی بلوچ - علی باغبانی - عسگر شیرین بلاغی - عیدی نعمتی - فیروزه راد - فریدا سهرابیان - فرخ قهرمانی - فرهاد سیدلو - کاوه محمدی - کامیار کریمی - مریم اماتی - مریم محسنی - مریم عظیمی - مریم اسکویی - مهرداد مهرپور محمدی - مازیار واحدی - مانویل اسماعیلی - محمد تجلی جو - محمد خسروی - محمود صفریان - مهرداد کریمی - مجتبی نظری - محمد رضا شالگونی - نگار محسنی - نسترن چیت ساز - نسرین فرج الهی - نوید مومن - نادر فولادی - نصرالله قاضی - نجف روحی - یاسمین میظر - یوسف آبخون

در صورت تمایل برای امضاء این بیاتیه لطفاً با ای - میل آدرس اتحاد چپ

iranleftalliance@gmail.com

تماس گرفته و یا از طریق لینک زیر

http://www.ipetitions.com/petition/etehadchapirani

an

امضاء خود را برای ما ارسال دارید.



عملاً مجازات توده ای قربانیان دیکتاتوری حاکم است. تهدید به تجاوز نظامی و فضای جنگی، بهانه گسترش سرکوب مبارزات حق طلبانه جنبش های مختلف اعتراضی را فراهم می کند. ما مخالفت قاطع خود را با ماجراجویی ها هسته ای رژیم اسلامی از یک سو و با تحریم اقتصادی، تجاوز نظامی و هر نوع مداخله جویی و سلطه طلبی امپریالیستی از سوی دیگر، اعلام می داریم.

سیزده: مبارزات آزادیخواهانه در خاورمیانه اوج می گیرد و جنبش های کارگری در تونس، مصر و سایر کشورهای عربی از پی بیداری دنیای عرب گسترش می یابند. ما همبستگی خود را با مبارزات کارگران ترکیه؛ نفتگران و تشکل های کارگری عراق و مبارزات کارگری در خاورمیانه، مبارزات کارگری اوج یابنده در اروپا، جنبش خشم و تسخیر و همه مبارزات ضد سرمایه داری در سراسر جهان اعلام می کنیم و در مبارزه برای دنیایی عاری از بهره کشی و دیکتاتوری در کنار این مبارزان هستیم.

چهارده: اقدام مشترک در طرح مطالبات اساسی کارگران ایران به سنتی مثبت در جنبش کارگری ایران و به شکلی از همبستگی جبهه کار در برابر سرمایه تبدیل شده است. ما از همکاری همه تشکل های کارگری داخل کشور در طرح مطالبات مشترک کارگران ایران و همگامی و همکاری مشترک برای دستیابی به آنها حمایت می کنیم

پانزده: کارگران ایران در مبارزه علیه دیکتاتوری حاکم تنها نیستند و نباید تنها بمانند. ما خواهان جلب هر چه گسترده تر حمایت بین المللی از جنبش کارگری ایران توسط تشکل های مستقل و جنبش های کارگری و گسترش فعالیت ها و اقدامات موثر در این مسیر هستیم.

شانزده: ما خواهان پذیرش اول ماه مه به عنوان روز تعطیل رسمی و لغو هر گونه ممنوعیت و محدودیت در برگزاری مراسم این روز از سوی کارگران و زحمتکشان هستیم. به باور ما طبقه کارگر ایران، که اکثریت عظیم توده کار و زحمت کشورمان را تشکیل میدهد ، نیرویی است که بمدد تشکل و سازمانی صوف خود ، میتواند با سرنگونی فاشیسم مذهبی حاکم، نظام سرمایه داری را در نوردیده و چشم انداز سوسیالیستی رهایی و برابری را در برابر مردم آزاده کشورمان قرار دهد . ما نیروهای طرفدار بدیل سوسیالیستی ، با تمام قوا از سازمانیابی کارگران ایران پشتیبانی کرده و تلاش میکنیم با همه توش و توان و امکانات خود به آنها یاری رسانیم.

زنده باد اول ماه مه، روز جهانی کارگر

هر چه گسترده تر باد همبستگی بین المللی کارگران

سرنگون باد جمهوری اسلامی ایران

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

۲۱ آوریل ۲۰۱۲ برابر با ۲ اردیبهشت ۱۳۹۱

اتحاد چپ ایرانیان در خارج از کشور

www.ranjbaran.com حزب رنجبران ایران

www.rahekaregar.com کمیته مرکزی سازمان کارگران

انقلابی ایران ( راه کارگر)

www.rahekargar.net سازمان کارگران انقلابی ایران- راه

کارگر ( هیئت اجرایی )

حزب سوسیال دموکرات ایران

۴۴ قانون اساسی نیز برای حمایت از سرمایه گذاری های خصوصی اصلاح شد

## پاسخ دست اندر کاران به ...

که انحراف از برنامه ها مانع از پیاده شدن اهداف متعالی آن برنامه شده است. « ( ۱ )

نقش دو دوزه بازی و فرصت طلبانه ی رفسنجانی بر کسی پوشیده نیست. او که علی رغم همه ی تقلبها، تجاوزات و سرکوب های دستگاه حاکمه، همچنان پشت سر رهبری که خود سر کار آورد ایستاده است، در این اظهار نظرها به دنبال سهم خواهی بیشتر در حوزه اقتصاد است تا چاره اندیشی، چرا که اصل چهل و چواری که او از آن دفاع می کند، برای بخش خصوصی فقط نقش تکمیلی در رابطه با بخش دولتی و عمومی قابل است و نه مانند هر نظام بورژوازی متعارف نقش اصلی.

ما در نوشته پیش تحت عنوان : « ادامه تنش آفرینی و در گیری های تازه بین ایران و غرب » به تحریم ها و آثار ویرانگر آن بر زندگی طبقات و اقشار کم در آمد اشاره کردیم و گفتیم که جامعه اروپا و دیگر دول امپریالیستی تحریم ها را همچنان گسترش میدهند. این روزها آفریقای جنوبی هم که در سال گذشته ۲۷۰ میلیون بشکه نفت خام از ایران خریداری کرده بود، از خرید آن خود داری کرده است و کمپانی های بزرگ دیگر چون داچ شل هم از متوقف کردن اجرای همه پروژه های خود در ایران خیر داده اند. خامنه ای تمامی این مسائل حاد سال گذشته که هر روز تأثیرات آن بر جامعه نمایان تر می شود را « حوادثی » میداند که « بر روی هم به سود ملت ایران و در راه کمک به هدفهای آن تمام شده است. » آیا « حوادث » در کاهش تورم، رشد اقتصادی و اشتغال برای ملت ایران منفعتی داشته است ؟ بررسی مختصر این مولفه ها ضروری است:

تورم : صندوق بین المللی پول در گزارش اخیر خود با ذکر اینکه اقتصاد جهان در « مرحله خطرناکی قرار دارد » رشد اقتصادی، نرخ تورم و نرخ بیکاری ایران برای سال جاری را به ترتیب ۵/۲ در صد، ۲۲ و نیم در صد و ۱۵ و سه دهم در صد پیش بینی کرده است. واحد اطلاعات اکونومیست در ماه فوریه امسال تورم را ۶ / ۲۳ در صد پیش بینی کرده و اضافه کرده است: « حذف یارانه ها موجب افزایش بهای سوخت، برق و آرد شده است. » ( ۲ ) و رسول صدیقی بناب، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس گفته است که در حال حاضر ایران بالاترین نرخ تورم در میان کشورهای منطقه را دارد. ( ۳ )

دعوی بین مجلس و دولت در مورد بودجه، اما، تصویر اسفناک تری از تورم بدست می دهد. نماینده مردم فلا ورجان در مجلس شورای اسلامی با ذکر اینکه توضیحات آقای محمود بهمنی، رئیس بانک مرکزی، که نرخ تورم را بیست و یک در صد اعلان کرده، توجه است نه توضیح، گفت که « مردم تورم را با آنچه روزانه و ماهانه در گیر هستند می سنجند. هفتاد در صد مردم با در آمدی که در وضعیت فعلی دارند تنها می توانند خوراک و پوشاک خود را تأمین کنند، بخصوص در چند ماه اخیر تقریباً با افزایش صد در صدی قیمت ها روبرو شدیم .. » ( ۴ ) این بمعنی آنست که هفتاد در صد مردم پولی برای مخارج برق، کرایه منزل، رفت و آمد روزانه و مخارج درمان و دارو، تحصیل فرزندان خود و نیاز های متداول جامعه کنونی ندارند.

نگاهی به شاخص های سکه، طلا و ارز، مسکن، سپرده بانکی و بازار بورس باز هم تصویر دقیق تری را در خصوص تورم در اختیارمان قرار می دهد. شاخص سکه طلا در آغاز

تورم لجام گسیخته، بیکار سازی های گسترده و ملیونی، افزایش سرسام آور قیمت مواد سوختی و غذایی و فقر و تهیدستی بی سابقه اکثریت مردم از معدود پی آمد های این سیاست ویرانگر دول سرمایه داری است، سیاستی که در عین ناتوانی در حل بحران های گوناگون، سعی دارد با فروش اسلحه، به راه انداختن جنگ های منطقه ای، نژادی، ملی و مذهبی و وضع قوانین بین المللی تبعیض آمیز سلطه خود را بر کشورهای در حال توسعه و فقیر جهان حفظ کند.

اگر پاره ای از کشورهای اروپایی و شورهای چون برزیل، آرژانتین، کره جنوبی، آفریقای جنوبی و.. در سال های اخیر موفق شده اند با اتخاذ سیاست های مستقل و معطوف به کارآفرینی در بخش های تولیدی و انرژی های جایگزین تا حدودی موج بحران ها را در کشور خود مهار کنند، جمهوری اسلامی، بر عکس، با پی گیری سیاستی ضد مردمی در داخل و بحران سازی در رابطه با کشورهای چون آمریکا و اسرائیل نه تنها گره ای از مشکلات بی حد آحاد ستم دیده و سرکوب شده ی جامعه نگشوده بلکه در صحنه بین المللی جامعه را در خطر جنگی ناخواسته و ویرانگر قرار داده است. هم اکنون منطقه خلیج فارس به یکی از حساس ترین و نظامی ترین مناطق جهان تبدیل شده و کوچکترین اشتباهی از هر سو میتواند جامعه ما را با فاجعه ای روبرو سازد که ابعاد آن غیر قابل پیش بینی است. در این نوشته به بعضی مولفه هایی اشاره داریم که سردمداران رژیم تلاش می کنند آن ها را لاپوشانی و توجیه کنند. مولفه هایی که خود نه مؤید قدرت رژیم بلکه نشان تناقضات و هرج و مرجی است که بر اقتصاد و برنامه های سیاسی آن حاکمند.

خامنه ای در پیام نوروزی خود، سال ۹۱ را « سال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی » اعلان و اضافه کرد که « اگر ما توانستیم تولید داخلی را رونق ببخشیم مساله تورم حل خواهد شد، مساله اشتغال حل خواهد شد، اقتصاد داخلی به معنای حقیقی کلمه استحکام پیدا خواهد کرد. » این اظهار نظر شکست کامل سیاستی را بر ملا می کند که پایه اش جز بر دروغ پردازی و عوامفریبی بر چیز دیگری گذاشته نشده است. رهبری که پس از سی سه سال حضور فعال در حکومت مطلوب خود، در عین حالی که می پذیرد که تورم، بی کاری و بی رونقی تولید دهه چهارم عمر خود را تجربه می کند، راه حلی که برای این مشکلات ارائه میدهد یک « اگر » زمخت، بی مسئولیت و و عده ی سر خرمن است و جز رسوایی خود چیز دیگری را به نمایش نمی گذارد.

اظهارات هاشمی رفسنجانی نیز شکست و درماندگی بیشتر نظام کشتار و جنایت جمهوری اسلامی را در معرض دید قرار می دهد. هاشمی رفسنجانی در دیدار جمعی از وزرا و نمایندگان سابق مجلس، استادان دانشگاه و .. ضمن انتقاد از : « حجم واردات بی رویه کالا های خارجی »، « تنگ شدن عرصه رشد تولیدات داخلی »، « ممانعت از پیاده شدن اهداف اصل ۴۴ قانون اساسی و انحراف در اجرای حمایت از سرمایه گذاری های خصوصی » سند چشم انداز بیست ساله کشور اشاره کرده و آترا سندی راهبردی برای تحقق اهداف جمهوری اسلامی دانسته و اضافه کرده است: « همراه با تدوین این سند، اصل

سال گذشته حدود ۲۹۰ هزار تومان و در پایان سال ۸۱۵۰۰ هزار تومان ( ۱۰۹ در صد افزایش )، شاخص طلا در آغاز سال هر گرم طلای ۱۸ عیار ۳۹ هزار تومان و در پایان سال ۸۰ هزار تومان ( ۱۰۵ در صد افزایش )، شاخص دلار در آغاز سال ۱۱۰۰ هزار تومان و در پایان سال ۱۹۰۰ هزار تومان ( ۷۲ در صد افزایش )، شاخص مسکن ۳۰ در صد، سپرده بانکی ۱۵ در صد و بازار بورس یعنی مهمترین شاخص بازارهای تولیدی فقط ۸ در صد بوده است. ( ۵ )  
در سال گذشته قیمت محصولات سه بار تغییر داده شد و افزایش پیدا کرد. شیر یک لیتری در بسته بندی کیسه ای در شهر تهران به قیمت ۱۲۵۰ تومان رسیده، در صورتی که با این قیمت باید شیر در بسته بندی های با ظروف در دار پلاستیکی عرضه شود و در بسته بندی کیسه ای نباید بیش از ۷۵۰ تا ۸۵۰ تومان باشد. ( ۶ )

۱۰) و بسیاری از کارخانه ها بدلیل عدم دریافت یارانه ی دولتی نمی‌توانند با محصولات ارزان خارجی رقابت کنند.  
این همه در شرایطی است که دولت احمدی نژاد بیشترین ابزار قانونی ضد کارگری را در اختیار کار فرما ها قرار داده و با طرح مجدد « اصلاحیه قانون کار » که کارگران تا کنون در مقابل آن ایستاده‌اند، در صدد است با پیاده کردن ماده چهار و ده این اصلاحیه حقوق و مزایای کارگران را باز هم کاهش دهد. در این دو ماده چنین آورده شده که اگر سقف تولید در کارخانه و کارگاهی پایین باشد یا مشکلی مالی و اقتصادی بوجود آید، کارفرما حق خواهد داشت همه یا بخشی از کارگران را اخراج کند و این اصلاحیه بگونه ای تدوین شده است که به کارگران اخراجی هیچ حقوقی تعلق نمی‌گیرد. جزء این مواد یکی هم کسر مرخصی های سالانه و مرخصی های استحقاقی و تعلیق حق سنوات خدمتی کارگران گنجانده شده است.

تولید و اشتغال: در بخش اشتغال، هدیه دولت جمهوری اسلامی و رهبریش برای کارگران بیکار سازی بود، از جمله برای کارگران شهاب خود رو. در این کارخانه اخراج دسته جمعی ۷۰۰ کارگر که ۸ تا ۲۵ سال سابقه کار داشتند، دقیقاً روز پس از پایان تعطیلات نوروزی تحت عنوان ورشکستگی کارخانه صورت گرفت. همینطور تمامی کارگران کارخانه تولید شمش چدن شرکت ذوب آهن غرب کشور ( کوره بلند ) که دویست کارگر را شامل میشود، آنهم تحت عنوان سود آور نبودن تولید. ( ۷ )  
همینطور ۷۰ نفر از کارکنان پرسنل سیرنگ کاسپین قزوین و سیرنگ کاسپین قائمشهر و روز شنبه ۱۴ فروردین بیست نفر از کارگران کشت و صنعت مهاباد. کارفرمای کارخانه کاشی کسری سنندج در ادامه اخراج های سال نود در روزهای پایان سال ۱۲ نفر از کارگران را اخراج کرد. این کارگران یک تا ده سال سابقه کاری داشتند ( ۸ ) . و همین امروز خبر گذاری کار ایران از اخراج سی در صد از کارگران واحدهای تولیدی کشور در سال جاری خبر داد.

این واقعیت که دولت خود بزرگترین بدهکار به شرکت ها و مؤسسات دیگر است و بنگاه های بزرگی چون ایران خود رو بین ۶ تا ۱۰ میلیارد تومان بدهی دارند، نیازی به تکرار ندارد. ( ۱۱ ) حذف یارانه ها، برداشت شبانه و بدون اطلاع بانک مرکزی از حساب بانکها ( ۱۲ )، ایجاد مناسب ترین شرایط برای ورود کالاهای خارجی و کالاهای قاچاق و نابودی همه ی زمینه‌های رشد صنایع داخلی، دزدی دارایی‌های ملی و انتقال آن‌ها به بانک های خارجی یا صرف آن‌ها برای کمک به رژیم های دیکتاتوری چون بشار اسد و گروه‌ها و سازمان های تروریست، ایجاد شبکه‌های ساتسور تحت عنوان مبارزه با جنگ سایبری و در واقع مسدود کردن هر چه بیشتر فضای تنفسی جامعه همه و همه چرخه ی روز مره ی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی را تشکیل میدهد، رژیمی که سرنگونی هر چه عاجل تر آن باید سرلوحه ی برنامه ی همه کارگران، زحمتکشان، زنان، دانشجویان، ملیت های تحت ستم و تمامی نیروهای آزادیخواه و برابری طلب باشد.

وضعیت کارگران شاغل هم، اگر تورم ۲۳ در صدی پیش‌بینی شده ی سال جاری را در نظر بگیریم، از سال گذشته وخیم تر شده است. شورای عالی کار در چهارمین جلسه ی تعیین دستمزد، حد اقل دستمزد سال آینده ی کارگران را با ۱۸ در صد افزایش نسبت به سال جاری ۳۸۹ هزار و ۷۵۴ تومان تعیین کرده است. این دستمزد نصف خط فقر است. ( ۹ ) این حد اقل حتی برای یک نفر هم کافی نیست. طبق محاسبه نمایندگان واقعی کارگران، حد اقل تأمین زندگی برای یک خانواده چهار نفره باید ۲۵۵۰۰۰ تومان باشد. این محاسبات بهیچ وجه شامل کارگاه های زیر ده نفر و ملیون ها زنی نمی شود که علاوه بر کار خانه با مقاطعه کاری در منزل به شدید ترین شیوه استثمار میشوند.

### تحریریه سایت راه کارگر

۲۱ فروردین ۱۳۹۱

#### منابع :

- ۱ - خبر آنلاین، سه شنبه ۱۵ فروردین
- ۲ - گزارش ایسنا، به نقل از سایت تحلیل خبری عصر ایران
- ۳ - آفتاب نیوز، ۱۷ فروردین
- ۴ - سایت کلمه ۱۶ فروردین
- ۵ - داده ها از انواری آنلاین
- ۶ - مشاهدات خبر نگار فارس مندرج در آفتاب، ۱۴ فروردین
- ۷ - ایلنا ۱۶ فروردین
- ۸ - کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، ۱۴ فروردین
- ۹ - ایلنا، ۱۴ فروردین
- ۱۰ - نقل از مقاله تحقیقی آقای احمد سیف، مندرج در مجله آرش شماره ۱۰۵ - ۱۰۶
- ۱۱ - همانجا، بطور مثال نقل شده است که بدهی دولت به صنایع تولیدی برق از پنج هزار میلیارد هم گذشته است.
- ۱۲ - گفتگوی مصطفی حسینی، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس با خبر گذاری مهر

احمدی نژاد در دیدار نوروزی با جمعی از نمایندگان مجلس از بیکار بودن صدو بیست هزار نفر از ۱۵۰ هزار مهندس کشاورزی ایران خبر داد و گفتی مساله به هیچ وجه برایش اهمیتی نداشت، اضافه کرد: « میتوان با توسعه ی بخش کشاورزی بسیاری از این مهندسین را در رشته خود جذب کار کرد و این شدنی است. » احمدی نژاد در همین دیدار از رشد هفت در صدی صنعت در سال ۹۰ صحبت و حفظ همان نرخ رشد در سال جدید را پیش‌بینی کرد. این در حالی است که به گفته ی رئیس اتاق ایران : « ۵۰ در صد واحدهای تولیدی در اکثر مناطق صنعتی کشور در حال تعطیلی یا در شرف تعطیل شدن هستند و اکثر واحدهای تولیدی و صنعتی بزرگ کشور با کمتر از سی در صد ظرفیت اسمی خود مشغول به کار ند. » ( )

## تراژدی خودکشی داروسازبازنشسته یونانی، ادعاینامه ای علیه نظام سرمایه

تقی روزبه

مرگ خودخواسته یا تحمیل شده

خودکشی داروسازبازنشسته ای-چهارم آوریل- در یونان بقدر کافی تکان دهنده، دراماتیک و از جهات گوناگون نمادین است. مستقیماً ویی واسطه با شرایط طاقت فرسای حاکم بر جامعه و نشأت گرفته از سیاست ها و تصمیم های اعلام شده کارگزاران نهادهای مالی و سیاسی طبقه حاکم بر اروپا و جهان، مرتبط بوده و نشاندهنده شکاف بارز بین واقعیت های تلخ زندگی و ادعاهای سرمایه داری است: ادعای مهد دموکراسی و حقوق بشر از یکسو و تداوم برنامه ریاضت اقتصادی تبه کارانه، علیرغم اعتراض های عمومی علیه آن از سوی دیگر. یک پارادوکس کامل!

زدن تیر خلاص بخود در میدان قانون اساسی آتن و یکی از شلوغ ترین میادین، یادداشت بجا گذاشته از علت اقدام خود، تظاهرات و شورش که در پی آن صورت گرفت و بالاخره مراسم تدفین\* غیر مذهبی که در آن چندین هزار نفر شرکت کردند و سخنانی که دخترش در این مراسم بر زبان راند، و حتی اظهار تأسف نمایشی رئیس جمهوری یونان جملگی وجه تراژیک و نمادین این رخداد را در بر سترنج و دردی که زحمتکشان اروپا (و نه فقط اروپا) و بطور اخص یونانی ها می کشند، برجسته می کند. دخترش در مراسم تشییع جنازه پدر چنین سخن گفت:

«پدر! تو نمی توانستی درک کنی که آنان دموکراسی، آزادی و یکپارچگی را از ما گرفته اند. تو نمی توانستی درک کنی که آنان ما را با تبعیض اقتصادی و شرایط ناگوار اجتماعی محاصره کرده اند. تو نمی توانستی بفهمی که چرا آنان حق مالکیت ما را همراه با کلیدهای این سرزمین تحویل دیگران دادند» شرکت کنندگان در این مراسم با سردادن شعارهایی علیه دولت یکصدا فریاد می زدند: «نان، آموزش، آزادی»\* 2

دیمیتریس کریستولاس داروساز 77 ساله ای که داری همسر و یک دختر بود، در یادداشتی که در کنار پیکری جانش یافت شد، نوشته بود: «دولت تمام آثار و دلایل برای بقای من را نابود کرده است.» در این یادداشت آمده است: «چون سن و سالم اجازه نمی دهد فعالانه کار کنم، هیچ راهحلی جز این پایان محترمانه برای زندگی، پیش رو ندارم.» چون پول بازنشستگی اش کفاف زندگی اش را نمیداد. او همین چنین نوشت: «بمیرم بهتر است تا در زباله ها غذا پیدا کنم.» ناگفته نماند که کاهش حقوق بازنشستگی یکی از محورهای برنامه ریاضت اقتصادی است که نهادهای مالی و سیاسی اتحادیه به مردم یونان دیکته کرده اند. چنانکه داروساز جان به لب رسیده پیش از مرگش نوشته است: دولت حقوق بازنشستگی او را به حدی کاهش داده که در عمل هیچ پولی دریافت نمی کند.

جنایت مدرن و سازمان یافته

برای صید ماهی در یک حوضچه و یا مخزن، هم می توان مستقیماً ماهیان را شکار کرد و هم بطور غیر مستقیم با خالی کردن آب مخزن و انهدام شرایط زیستی آنها حق حیات را- بطور دسته جمعی- از آنها گرفت. در جوامع انسانی نیز می توان به صور بسیار گوناگون جنایت کرد و حق زیست و زندگی انسانها را از آنها سلب نمود. اینکه سرمایه داری در شرایط بحران برای

نجات نرخ سود خود و فرار از ورشکستگی خویش شرایط زیست جامعه را چنان طاقت فرسا کند، که انسان ها بدست خود جان عزیزشان را نشانه بروند، هیچ از جنایت سرمایه داری و سرمایه داران نمی کاهد. حتی حیوانات که فاقد تصویرسازی انسان از آینده تیر و تار هستند در شرایط زیستی ناهنجار نیز ممکن است دسته جمعی خودکشی کنند. این که سرمایه داری بهنگام رونق پز حقوق بشر و دموکراسی بدهد، و در شرایط وخامت اقتصادی آنها را صراحتاً به دلیل اولویت های دیگرشان زیر پا لگدکوب کند، آیا از جنایت سازمان یافته نامی دیگر دارد؟ گزارش های متعددی از رشد خودکشی و افسردگی و بسیاری از ناهنجاری ها و آسیب های اجتماعی در خود قاره اروپا حکایت می کنند که مستقیماً برخاسته از اعمال سیاست ریاضت اقتصادی است. بر همین اساس می توان سردمداران اقتصادی و سیاسی اتحادیه اروپا را بدلیل آنچه که در یونان و مناطق دیگری گذرد و بدلیل اقدام به سیاست گرسنگی دادن و زیر پا گذاشتن موازین اولیه همان حقوق بشر ادعایی خود به پای میز محاکمه کشاند. امری که البته مستلزم تغییر رابطه کارگران و زحمتکشان با سرمایه ای است که چیزی جز حاصل دسترنج آنها نیست. اگر کارگران و زحمتکشان و همه آنهایی که زیر فشار و استثمار سرمایه قرار دارند به این آگاهی و عزم برسند که شیشه عمر سرمایه داری در دست آنهاست و آنچه را که خود خالق آن هستند زیر کنترل خود در بیاورند و اینکه سرمایه و سرمایه داری علیرغم ادعا و ظاهر نمایی، بیشتر وابسته به آنهاست تا آنها به سرمایه و سرمایه داری، آنگاه امید جای یأس و استیصال را گرفته و خودکشی و انفعال و افسردگی جای خود را به لبخند زندگی و نیروی جمعی سرشار از امید و حرکت روبه جلو برای آفریدن جهانی بهتر و انسانی تر خواهد داد.

1391-01-25 12-04-2012

<http://www.taghi-roozbeh.blogspot.de>

\*-1

<http://persian.euronews.com/2012/04/07/athens-funeral-for-suicide-protester>

\*-2 اورو نیوز





## از ریاض تا تهران

شرایطی از جمله با بازپس گرفتن بلندی های جولان که از ژوئن 1967 در اشغال اسرائیل است، آنرا می پذیرد.

## پس لرزه های سوریه در منطقه ای پر تنش

آلن گرش

ترجمه بهروز عارفی

پس از قتل رفیق حریری، نخست وزیر پیشین لبنان در 14 فوریه 2005 و خروج شتاب زده سربازان سوری از لبنان، رژیم سوریه با یک دوره انزوا روبرو شد که عاقبت فشار اسد توانست آنرا از میان ببرد. انعطاف ناپذیری او در مقابل فشارهای دولت جورج بوش که در آرزوی سرنگونی اش بود، پشتیبانی اش از حزب الله در طول جنگ اسرائیل علیه لبنان در تابستان 2006 و سپس حمایتش از حماس در جریان تهاجم اسرائیل به غزه در دسامبر 2008 تا ژانویه 2009 چهره «قطب مقاومت» را که از او ساخته بودند، تقویت کرد. به طوری که اخوان المسلمین سوریه به مخالفت خود - به طور موقت- پایان دادند.

با وجود سرکوبی سنگدلانه و وحشیانه، تظاهرکنندگان سوری همچنان رژیم را به چالش می طلبند. مطالبات آنان با خواست مردم در بحرین و اردن یکی است؛ اما این خطر وجود دارد که پراکندگی اپوزیسیون و دخالت های بیگانه به کشمکش های مذهبی کشیده شود که در آن صورت، کل منطقه را تهدید خواهد کرد.

این وجهه دارو دسته اسد را دچار توهم کرد که گویا کشورش از جنبشی که در سال 2011 منطقه را فرا گرفته بود، بر کنار خواهد ماند. در جهان نیز، این وجهه باعث شد که برخی جنبش های ضد امپریالیست که میزان دگرگونی ناشی از انقلاب های عرب را درست ارزیابی نمی کنند، به اشتباه، رودرونی پیرامون سوریه را فقط به بعد ژنو پویلیتیکی آن کاهش دهند. (2)

تحلیل نادرست، محاسبه غلط رژیم همان عیبی را دارد که سراسر منطقه را آزار می دهد: خودکامگی و استبداد قدرت حاکمه، چپاول ثروت ها و لیبرالی شدن اقتصاد که نابرابری ها را افزایش می دهد، عدم توانایی پاسخ به امیال نسل جوانی که پر جمعیت تر و آموزش دیده تر از نسل های پیشین است.

بی اعتنائی به این امیادها، وحشی گری بی حد سرکوب، رودرونی خشونت بار را افزایش داده و نظامی شدن بخشی از قیام را تقویت کرده است. در حالی که در ابتدا، جنبش در اکثریت قابل توجه آن چون جنبش مصر، غیر خشونت بار اعلام می شد. خطر چرخش درگیری ها به سوی برخوردهای مذهبی بیشتر شده است. رژیم از استفاده از این ورق برای ترساندن علوی ها (3) و مسیحیان درنگی به خود راه نمی دهد.

باتریک سیل، روزنامه نگار انگلیسی در سال 1965 کتابی نوشته است با عنوان مبارزه برای سوریه (The struggle for syria). این کتاب اثری کلاسیک است در مورد درگیری ها برای کنترل سوریه پس از جنگ جهانی دوم. (1) این مبارزه هم زمان در بستر جنگ سرد میان آمریکا و شوروی و نیز «جنگ سرد عربی» جای می گرفت. در آن زمان، مصر جمال عبدالناصر و عربستان سعودی برای کسب هژمونی (برتری) منطقه ای با یکدیگر در جدال بود. این رودرونی ها تا کوهستان های یمن را در بر گرفت. در آن نیروهای نظامی مصر از جمهوری جوان علیه سلطنت طلبان مسلحی پشتیبانی می کردند که از حکومت ریاض کمک مالی می گرفتند.

از سال های دهه 1950 تا جنگ ژوئن 1967 با اسرائیل، سوریه در بطن توازن (یا بهتر بگوییم عدم توازن) منطقه ای قرار داشت. کودتا ها و خوننای نظامی پشت سر هم در دمشق رخ می دادند.

سوریه همچنین در صدر نقاط پر جوش و خروش سال های دهه 1950 و 1960 بود که خواستار استقلال سیاسی، رشد اقتصادی و ایجاد نظم اجتماعی عادلانه تر و برابری طلبانه بودند. در راس مبارزات و بسیج توده ای، ناسیونالیست های عرب، چپ ها و مارکسیست ها قرار داشتند.

با این وجود، اپوزیسیون از دادن ضمانت های جدی برای آینده ناتوان است. مخالفان حتی با پشت کردن برخی از پشتیبانانش روبرو شده است. کردها که از نخستین تظاهرکنندگان بودند (از جمله برای کسب کارت شناسایی ملی که از آن محروم بودند)، به دلیل عدم شناسایی حقوق شان از سوی شورای ملی سوریه از آن فاصله گرفته اند. رژیم نیز به نوبه خود، با موفقیت های کم و بیش، توانسته است فعالیت های حزب کارگران کردستان (پ کا کا) را دوباره به راه اندازد، امری که در جریان رودرونی اش با ترکیه در سال های دهه 1990 مورد استفاده قرار داده بود. این حزب هنوز در میان کردهای سوریه محبوبیت دارد (4)

پس از شکست اعراب از اسرائیل در سال 1967، خاورمیانه در رکودی فرو رفت که به مدت چهل سال ادامه یافت. هیچکدام از این رژیم ها، چه جمهوری یا سلطنتی به کوچکترین اصلاحاتی تن ندادند. نکته بارز آن رکود، خودکامگی، تمرکز ثروت در دستان گروهی کوچک است که خود را فراتر از دولت می دانند و فساد دانی است. اگر در این دوره، گهگاه انفجارات مردمی نارضابتی پراکنده ای را بازتاب می دادند، به طور عمده، آن چه که رژیم های عرب را رودرونی هم قرار می داد، داوهای ژنوپولیتیکی بود. این رژیم ها به خاطر موضعگیری شان نسبت به ایالات متحده و اسرائیل دچار تفرقه اند. در همه جا خواست تغییرات و دگرگونی اجتماعی را کنار گذاشته اند.

### مترسک شیعه

انشعاب جدیدی در درون شورای ملی سوریه رخ داده است. حیثام المله و کمال لایوانی، زندانیان سیاسی پیشین، هم نوانی شورا را با خارجی ها نکوهش می کنند. عمار قرابی، رئیس پیشین سازمان دفاع از حقوق انسانی سوریه و رهبر جنبش ملی برای تغییرات به شورای ملی سوریه خرده می گیرد که مبارزان علوی و ترکمن را منزوی ساخته است. (5) اما مسیحیان که شاهد پناهندگی ده ها هزار نفر از هم کیشان عراقی شان بودند، با اضطراب به رشد اسلام گرایان می نگرند و نیز از شعارهای ضد مسیحی و ضد علوی بخشی از تظاهرکنندگان نگرانند.

اگر کمی به عقب برگردیم، دوره پیمان ها در طول زمان تغییر می کرد. در دوران جنگ اول خلیج [فارس] در سال های 1990-1991، حافظ اسد با واشینگتن ائتلاف کرد، در حالی که اردن ملک حسین از صدام حسین پشتیبانی می کرد. در آستانه انقلاب های عربی در 2011، دو دستگی، اردوگاه طرفدار آمریکا (عمدتا مصر و عربستان سعودی) را در مقابل اردوگاه «مقاومت» (ایران، سوریه، حماس در فلسطین و حزب الله لبنان) قرار داد.

دمشق از جمله به خاطر هم پیمانی با جمهوری اسلامی دارای موقعیت ممتازی است؛ در مدت سی سال گذشته هیچ گزندی به این پیمان وارد نشده است، حتی با وجود اختلاف نظر بین دو کشور در مورد صلح با اسرائیل که ایران اصولا مخالف آن بوده و سوریه با

شورای ملی سوریه با اعتراض شماری از مخالفان از جمله هماهنگی ملی برای تغییرات دموکراتیک روبروست که با مذهبی و نظامی شدن شورش و نیز مداخله نظامی بیگانه مخالفند. این شورا با انشعابات پی در پی تجزیه شده و کمیته های محلی آن را رد کرده و اسلامگرایان بر آن مسلط بوده ولی چند چهره لیبرال و پترین آن هستند. وابستگی آن به کشورهای غربی و امیرنشین های خلیج فارس با استقبال منفی روبرو شده است.

انسداد کامل است. اپوزیسیون قادر به برانگیختن سقوط رژیم نیست. رژیم نیز از نابودی جنبشی ناتوان است که اراده و شجاعتش در فداکاری شگفت آور است. بازگشت به وضع پیشین غیر ممکن است و کنترل قدرت حاکمه بر روح و جان و بر جامعه ای سیاسی شده در طول ماه ها، هرگز میسر نخواهد شد. اصلاحات اعلام شده از سوی رژیم دمشق (قانون اساسی جدید، عفو های مکرر، و غیره) هیچ بردی ندارد. بخش های امنیتی حکومت و ارتش برای نابودی، بمباران و شکنجه هر آن که دشمنان خواهد، چک سفید دریافت کرده اند.

همزمان، خطر یک جنگ داخلی واقعی است و حتی امکان سرایت آن به لبنان و عراق نیز وجود خواهد داشت. مداخله نظامی خارجی آتش درگیری های فرقه ای را تند تر کرده و تفنگ به عنوان تنها داور دسته بندی های مذهبی درخواهد آمد. این مداخله احتمالی، می تواند ضربه مهلکی به روند دموکراتیزه شدن در منطقه بزند.

باوجود این، انتخاب منحصر به راه حل نظامی نیست. فشارهای اقتصادی بر سوریه (که به شرط هدف گرفتن رهبران حکومت و نه مردم می توان تشدیدش کرد) هم اکنون یک بخش از بورژوازی طرفدار رژیم را به تعمق واداشته است. از سوی دیگر، ماموریت نخست ناظران اتحادیه عرب با وجود مشکلات رودرو، به کاهش خشونت ها انجامیده بود. عربستان سعودی بود که بازگشت آنان را تحمیل کرد و گزارش آن ها را نیز به خاک سپرد. این گزارش با برخورد ساده گرایانه رسانه ها خوانانی نداشت. بازگشت مجدد آن ها به سوریه و گسترش ماموریت شان، احتمالاً قدمی به جلو خواهد بود. بالاخره، روسیه و چین را باید به تلاش های مذاکره برای یک مرحله گذار ملحق کرد. برخی پیش می کشند که آیا می توان با یک رژیم قاتل مذاکره کرد؟ در آمریکای لاتین، گذار به دموکراسی با عفو نظامیان میسر شد، حتی اگر می توان متاسف بود که آنان به مدت سی سال از آن بهره مند بودند.

این راه باریک و پر نشیب، آن نیست که غالب بازیگران خارجی پیشنهاد می کنند و اوضاع را به رودرونی عظیم میان دیکتاتور و دموکراسی کاهش می دهند. باوجود این، کی باور می کند که رژیم سعودی خواهان استقرار دموکراسی در دمشق است. رژیمی که به هیچ مجلس منتخب اعتقاد ندارد؟ رژیمی که وزیر کشورش اعلام کرد که تظاهرات شیعیان در شرق کشور «شکل جدیدی از تروریسم» (6) است؟ رژیمی که دانشجویانی را که علیه کیفیت پانین دروس دانشگاهی در اوایل ماه مارس جاری در ابها بسیج شده بودند، باخشونت کامل سرکوب کرد؟

عربستان سعودی که از تضعیف ایالات متحده در منطقه نگران است، با «حاکمیت شیعیان» در عراق مخالف بوده، در راس ضد انقلاب منطقه قرار گرفته و بدون توفیق، شورش بحرین را درهم کوبید. عربستان سعودی مخالفان سوریه را مسلح کرده و از این پس، با علم کردن مترسک شیعه، تلاش می کند اکثریت سنی را حول ضدیت با شیعیان و «پارسی» ها با خود همراه کند.

### بردباری مردم

ریاض گفتن «همبستگی سنی» را از نوبه میان کشید و نیت از آن، تکیه بر حاکمیت اخوان المسلمین در تونس، قاهره، مراکش و شاید در آینده در لیبی است، حتی اگر در دهه های اخیر روابط اخوان

المسلمین و ریاض نفرت بار بوده است. اما، داده ها نا روشنند، اخوان المسلمین در مورد راه های مورد انتخاب دچار انشعاب شد، همان طوری که خودداری حکومت تونس با هر گونه مداخله خارجی در سوریه یا مبارزه در درون حماس که دفتر مرکزی اش را در سوریه رها کرد، از نشانه های آن است.

صلاح البردعوی، عضو دفتر سیاسی حماس حتی اعلام کرده که در صورت جنگ میان ایران و اسرائیل «حماس دخالت نخواهد کرد»؛ محمود الظهار رهبر دیگر حماس این موضع را رد کرده است (7). زیرا، ایده پیمان گسترده سنی علیه ایران و سوریه، یک بار دیگر، با مسئله فلسطین مواجه شده است. چه کسی می تواند جای سوریه و ایران را در مقاومت به استراتژی اسرائیل بگیرد؟

واشنگتن به نوبه خود، در جستجوی سست کردن یکی از پایه های «محور شر» و پس از آن ایران است که بنیامین نتان یاهو نخست وزیر اسرائیل، همچنان رویای بمبارانش را در سر می پروراند. ایالات متحده آمریکا پس از ترک عراق بدون کسب افتخاری، با گیر کردن در افغانستان که نه فقط از سوی طالبان بلکه از طرف اهالی نیز از «خیط» های نیروهای آمریکایی به تنگ آمده اند، بی آبرو شده است، بزودی آن جا را نیز رها خواهد کرد، به نظر نمی آید که آماده درگیر شدن در ماجرای نظامی جدیدی در سوریه باشد. گر چه در سقوط بشار اسد، راهی برای کسب مواضع جدیدی در منطقه می بیند. آیا، آنان همچون لیبی به مداخله نظامی تن در خواهند داد؟ آیا، خطر بی ثباتی در این کشور را که از هم اکنون با تحرکات جهادگران و جنگجویان القاعده مواجه است، به جان خواهد خرید؟

اما اسرائیل، شاید بتوان موضع مقامات آن کشور را از زبان افرانیم هالوی، رئیس پیشین موساد و مشاور ملی پیشین امنیت شنید که توضیح می دهد که سرنگونی رژیم دمشق، همراه با تضعیف تعیین کننده ایران، امکان خواهد داد تا از بمباران ایران احتراز کرد (8). ولی رهبران اسرائیل می دانند که هر موضعگیری علنی در این جهت، بیش از همه، به ضرر اپوزیسیون سوریه تمام خواهد شد. برخی صداها در اسرائیل از پیامدهای یک جنگ داخلی در سوریه نگرانند که می تواند به آرامش حاکم در مرزهای دوکشور پایان دهد.

سرنجام، روسیه و چین، به نوبه خود، از قدرت گیری اسلام گرایان و یک جنبه گرانی اروپا و آمریکا نگرانند. این دو کشور، پس از ونوی قطع نامه شورای امنیت سازمان ملل متحد، در 21 مارس بیاتیه مشترکی منتشر کردند که در آن از راه گذار دموکراتیک از طریق مذاکره حمایت می کنند.

تمام این تکاپوها در خاورمیانه ای رخ می دهد که در اثر جنگ های امریکا (افغانستان و عراق) و اسرائیل (لبنان و فلسطین) بی ثبات شده است. اوضاع از این قرار است: دولت های تضعیف شده؛ نقش فزاینده میلشیشای غالباً مسلح به سلاح های متداول از جمله موشک (عراق، کردستان، افغانستان، لبنان، فلسطین)؛ تنش های میان فرقه ای که اقلیت ها را تهدید می کند و غیره.

شورش های عرب در چنین شرایطی رخ داده است. مطالبات آنان، آزادی و کرامت، دموکراسی و عدالت اجتماعی است. گرچه، این شورش ها رئیس جمهوری تونس، مصر، لیبی و یمن را سرنگون کرده اند، ولی شواهد حاکی از پدیدار شدن یاس در افکار عمومی غرب است. همان طوری که پیتر هارلینگ مدیر بخش امور مصر، لبنان و سوریه در «اینترناشنال کرایزیس گروپ» توضیح می دهد، با وجود این «به هیچ وجه شگفت آور نیست که لحظه درخشان انقلاب های کوتاه در تونس و مصر، در حال تبدیل به اختلال بزرگی است. تقریباً در همه جهان عرب، شاهد مذاکره مجدد، کم و بیش خشونت بار و جاه طلبانه هستیم، که به نوعی قرارداد اجتماعی می ماند. در این منطقه در غلیان که «مدل تونس» تا اقصی نقاط سوریه مورد بحث و جدل است، ارتباط نیرومندی به پیچیدگی های این موارد خاص افزوده می شود. (9)»

## بازتاب یک پیام!

مجید دارا بیگی

گوینتر گراس نویسنده ی هشتاد و چهار ساله ی آلمانی و برنده ی جایزه ی ادبیات نوبل که هنوز هم روزانه دوازده ساعت ایستاده در پشت میز کارش قلم می زند، نویسنده ای است پرکار و بلند آوازه در سطح جهان و از نویسندگان بزرگ سده ی بیستم آلمان شاید تنها با توماس مان و برتولد برشت قابل مقایسه باشد، بیش از پنجاه اثر برجسته دارد و شمار زیادی از این آثار به زبان های زنده ی جهان ترجمه شده است. در اهمیت نویسنده گی گوینتر گراس همین بس گفته شود هنگامی که به زنده یاد احمد شاملو خبر دادند که جایزه ی نوبل امسال را هم به شما ندادند و نصیب گوینترگراس شد در واکنشی مثبت می گوید گراس نویسنده ی بزرگی است و شایسته ی دریافت جایزه ی نوبل!

گراس یکی از نویسندگان سیاسی پس از جنگ است که در طی شصت سال گذشته مسائل مهم سیاسی و اجتماعی آلمان و اروپا را در قالب رمان، گزارش، یادواره و شعر بازتاب داده است و اگر چه به عنوان نویسنده شهرت دارد تا شاعر، اما دست توانائی در شعر دارد و هر قطعه از شعرهای اش به سبک برشت بیان گر یک درد اجتماعی و روایت گر یک مساله خاص سیاسی و حاوی پیامی ویژه است.

در روز چهارشنبه پنجم ماه مارس سال جاری قطعه شعری از وی هم زمان در سه روزنامه ی چپ لیبرال و پرتیراژ اروپا، زوید دوپچه سابتونگ آلمان، لا رپوبلیکا ایتالیا، و ال پاپس اسپانیا که در مجموع بیش از یک و نیم میلیون تیراژ دارند هم زمان به سه زبان مهم جهان انتشار یافت و قرار براین بوده که در همان روز در روزنامه نیویورک تایمز هم انتشار یابد اما سردبیر نیویورک تایمز ادعا می کند که آن را به موقع دریافت نداشتند است. البته متن پیام فردای آن روز در شمار بیش تری از روزنامه های اروپائی و جهان انتشار یافت و مورد بررسی و نقد رسانه های نوشتاری، دیداری و شنوداری قرار گرفت.

گراس در این پیام شاعرانه توضیح می دهد که چرا این همه زمان سکوت کرده است و سکوتی این چنین طولانی؟! و چرا سکوت بیش از این جایز نیست و تابوها را باید شکست. در پیام خود می گوید از مقامات دولت خودمان (آلمان) شنیده می شود که یک زیردریائی مجهز دیگر که قادر است کلاهک های اتمی با قدرت تخریب زیاد حمل کند به زودی تحویل اسرائیل خواهد شد. در این جا لازم به یاد آوری است که دولت آلمان پس از ایالات متحده ی آمریکا دومین کمک دهنده ی اسرائیل است و دولت اسرائیل از 1965 تاکنون سالانه معادل پانصد میلیون مارک کمک نظامی و مالی بلاعوض به عنوان غرامت کشتار یهودیان در جنگ دوم جهانی دریافت می دارد. حال آن که در دوران جنگ دوم جهانی اسرائیلی وجود نداشته که امروز اسرائیل وارث شهروندان قربانی اش باشد.

بیش ترین شمار قربانیان یهود، یعنی بیش از سه میلیون نفر از شهروندان لهستان بودند و دومین رقم قربانیان از شهروندان یهودی مذهب اوکرائین، جمهوری های بالتیک، روسیه ی سفید، روسیه و خود آلمان است و اگر قرار پرداخت غرامت در میان باشد در درجه نخست حق لهستان است که در جریان تجاوز آلمان نازی از جمعیت سی میلیونی

آیا «زمستان اسلامگرانی در راه است؟» یا رودرونی های مذهبی؟ قلع و قمع جنبش در سوریه و مصر؟ نمی توان هیچکدام از فرضیه های یادشده را به کناری گذاشت. اما، در همه این فرضیه ها، نیروی اعتراضات، دلبستگی به انتخابات دموکراتیک و بردباری فوق العاده مردم در بحرین و نیز سوریه نادیده گرفته شده است. خلق های این کشورها، همه با حفظ همبستگی خود با آرمان فلسطین که همچنان زنده است با مبارزات اجتماعی و دموکراتیک که از سال 1967 بی حرکت مانده بود، تجدید عهد می کنند. در چنین شرایطی، مداخله جدید خارجی خطر عمیق تر شدن تفرقه ها را همانطوری که در عراق یا لیبی شاهدش هستیم، زنده می کند و ممکن است نبرد دموکراتیک را به مبارزه مذهبی، و در وهله نخست میان شیعیان و سنی ها تغییر دهد.

عنوان اصلی مقاله:

De Riyad à Téhéran

Onde de choc Syrien dans une région en ébullition, Par ALAIN GRESH

Le Monde-diplomatique, Avril 2012

پاورقی ها:

Patrick Seale, The Struggle for Syria : A Study in – 1 Post-war Arab Politics, 1945-1958, Oxford University Press, Londres – New York, 1965

2 – در مورد مباحثات چپ لبنان به مقاله زیر نگاه کنید:

Nicolas Dot-Pouillard, « Resistance » / « revolution » : un dilemme libanais face à la crise syrienne », Les carnets de l'IFPO, 11 janvier 2012, <http://ifpo.hypotheses.org>

3 – اقلیت مذهبی وابسته به شیعه که خانواده اسد و شماری از رهبران سوریه به آن منسوبند.

4- dogu Ergil, « Syrian Kurds », Today's Zaman, Istanbul, 21 fevrier 2012.

5 - Ipek Yezdani, « Syrian dissidents establish new bloc », Hurriyet Daily News, Istanbul, 21 february 2012 .

6 - « State has full right to check rioting, Interior Ministry says », Arab News, 20/02/2012, <http://arabnews.com>

7 - The Guardian, London, 6 Martch 2012, & the Jerusalem Post, 8 january, 2012.

8 - « Iran's Achilles'heel », International Herald Tribune, Paris, 7 February 2012.

9 - « ? », Le monde arabe est-il vraiment en « hiver », lemonde.fr, 1er fevrier 2012

لوموند دیپلماتیک، آوریل 2012

\*\*\*\*\*

اش سه میلیون یهودی و سه میلیون غیر یهودی را از دست داده است .

یک نکته ی حاشیه ای دیگر هم که باید بیان نمود این است که جمهوری فدرال آلمان پس از ایالات متحده آمریکا و روسیه سومین کشور صادرکننده سلاح و تجهیزات نظامی در جهان است و بخش عمده ی این سلاح صادراتی روانه ی خاورمیانه می شود که باید رضایت اسرائیل را هم با خود داشته باشد. همین سال گذشته و در اوج تظاهرات مسالمت آمیز مردم بحرین که با یورش تانک های عربستان سرکوب می شد دولت آلمان اعلام کرد صدور دوپست دستگاه تانک پیش رفته ی لئوپارد به عربستان را تصویب کرده است، تصویب نامه ای که موافقت پیشاپیش اسرائیل را هم با خود داشت.

از این روی پیام گوینتر گراس در ضمن اعتراضی هم هست به سیاست اقتصاد میلناریستی آلمان و صدور اسلحه ی دولت آلمان که به موجب مصوبه ی سازمان ملل هیچ کشوری حق صدور اسلحه به مناطق جنگی و بحرانی جهان را ندارد و دولت های صادرکننده ی سلاح موظف اند از تحویل سلاح و مهمات به نظام های سرکوبگر و پای مال کننده گان حقوق بشر خودداری ورزند. اما دولت آلمان هم چون ایالات متحده ی آمریکا، روسیه، فرانسه و بریتانیا سالانه میلیاردها دلار سلاح، مهمات و تجهیزات نظامی در اختیار ترکیه، عربستان، اسرائیل، ایران، شیخ نشین ها و ... قرار می دهد و بخشی از رشد اقتصادی این کشور در پرتو صدور ابزار کشت و کشتار انسانی است و این رشد به بهای قربانیان بی شمار نظام های سرکوب گر در جهان و کشورهای خاورمیانه تمام می شود.

گراس در پیام خود اعلام خطر می کند که اسرائیل صلح جهان را به خطر انداخته است این کشور در سال های گذشته به طور مخفیانه به تجهیز اتمی خود پرداخته و هم اکنون سلاح های ویران گری در اختیار دارد و کشور ایران را تهدید به نابودی می کند. این ابزار مخرب را باید از اختیار دولت اسرائیل خارج ساخت و به کنترل ارگان ها و نهادهای بین المللی در آورد.

تابوشکنی گراس در افشای سلاح اتمی اسرائیل نیست زیرا از هنگام سرنگون ساختن یک هواپیمای لیبیائی بر فراز صحرای نقب در 1973 آشکار شد که اسرائیل دست اندر کار تولید سلاح های اتمی است و یک دهه دیرتر تکنیسین شجاع و انسان دوست اسرائیلی، «وانو مردخای» طی مصاحبه ای با روزنامه تایمز لندن در سال 1386 با اسناد معتبر نشان داد که اسرائیل با کمک های فنی رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی در حال تهیه بمب اتمی است و به همین جرم هم به هجده سال زندان محکوم شد و هنگامی هم که پس از گذراندن دوران محکومیت از زندان آزاد شد با استقبال گرم ده ها هزار تن از مردم صلح دوست اسرائیل و روشن فکران، روزنامه نگاران و هواداران صلح از اروپا، آمریکا و استرالیا مواجه شد که به همین منظور وارد اسرائیل شده بودند. البته پس از زوال رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی اسرائیل تسلیحات اتمی خود را به کمک فرانسه تجهیز نمود. از این روی تابوشکنی امروز گراس انتقاد روشن و بدون اما و اگر از سیاست توسعه طلبانه ی اسرائیل و تهدید صلح جهانی از جانب آن است و نه افشای داشتن سلاح اتمی!

گراس به لحاظ ساینسی یک شخصیت سوسیال دموکرات است و در چهار دهه ی گذشته در انتخابات سرتاسری آلمان همواره و در هر دوره در انتخابات از حزب سوسیال دموکرات و نامزدهای این حزب پشتیبانی نموده و به ویژه پشتیبانی وی از ویلی برانت که با دوشخصه ی تشنج زدائی با شرق و گسترش دامنه ی دولت رفاه به میدان آمد و چهره ی جهانی آلمان غربی را دگرگون ساخت در بسیج رای دهنده گان اهمیت اساسی داشت . گراس هنوز هم

خود را یک سوسیال دموکرات اصیل می داند و اگر چه حزب سوسیال دموکرات آلمان همانند دیگر هم پالکی های اروپائی اش مرتب از برنامه ی سوسیال دموکراسی عدول می کند اما گراس هم چنان بر موضع خود پا برجاست و نا پی گیری های این حزب را چه هنگامی که در قدرت است و چه هنگامی که در اپوزیسیون به باد انتقاد می گیرد. هنگامی که حزب سوسیال دموکرات در اپوزیسیون بود و در توافق با دموکرات مسیحی ها حاکم اصولی از قانون اساسی را به زبان پنهانده گان سیاسی تغییر داد سخت اعتراض نمود. هنگامی هم که این حزب خود دولت را در اختیار داد و در ائتلاف با حزب سبزه ها حقوق بی کاری را کاهش داد هم سخت اعتراض نمود.

اما چرا تابوشکنی گراس اهمیت دارد؟ در رسانه های بزرگ و کوچک دولتی و غیر دولتی آلمان از سیاست های نژادپرستانه ی اسرائیل در سرزمین های اشغالی، تداوم شهرک سازی و کشت و کشتار فلسطینی ها، محاصره ی همه جانبه نوار غزه و ساحل غربی اردن کم و بیش انتقاد می شود، اما انتقادهائی بی بو و خاصیت برای خالی نبودن عریضه! اما این که این آخرین کلنی جهان در شش دهه ی گذشته میلیون ها فلسطینی را از خانه و کاشانه ی خود آواره ساخته و از سه میلیون آواره ی فلسطینی که شمار زیادی در کشورهای همسایه کبر نشین اند و صدقه خور سازمان ملل و جمعیت های خیریه سخنی به زبان نمی آید و هر انتقاد تندی علیه اسرائیل و نسل کشی تاریخی اسرائیل از جانب هر کس و هر مقامی تابو است و با واکنش تند اسرائیل، ایالات متحده آمریکا و جریان های راست گرای آلمان مواجه می شود تا چه رسد به این که گفته شود اسرائیل، فراتر از سرکوب و نابودی خلق فلسطین صلح جهانی را هم به خطر انداخته، باید خلع سلاح شود و سلاح های اتمی اش تحت کنترل درآید.

این هم از شگفتی های دوران ماست که در یک کشور پیش رفته ی سرمایه داری با نظامی بورژوا-دموکراتیک که آزادی عقیده، آزادی قلم و آزادی بیان اصلی تضمین شده در قانون اساسی آن است، راست گرایان تندرو و محافظه کاران در کنار رسانه های هوادار اسرائیل بدون توجه به حقوق شهروندی و حقوق شهروندان هر صدای انتقادآمیز را خفه می کنند و بی جهت نیست که گراس از تابوشکنی سخن می گوید تا دیگران هم زبان بکشایند. به این اعتبار باید شهامت گراس را ستود که سرانجام سکوت را شکست و به امید این که دیگران هم به تاسی از وی لب به سخن باز کنند و در کنار محکوم ساختن جنگ طلبی، توسعه طلبی و شهرک سازی اسرائیل در سرزمین های اشغالی اعلام کنند چرا باید شهروندان آلمانی و مالیات دهنده گان آلمانی بخشی از هزینه سرکوب فلسطینی ها و زیادخواهی های دولت اسرائیل را پرداخت کنند.

یادآوری دو حادثه ی تاریخی بیان گر جسارت این تابوشکنی در آلمان است. «یورگن میلرمان» از چهره های تراز اول «حزب دموکرات آزاد» که در زمان صدارت هلموت کوهل مدتی وزیر اقتصاد دولت فدرال بود و نیز رهبر حزب و رئیس فراکسیون پارلمانی این حزب در مجلس ایالتی «نورد راین وستفالی» که با هجده میلیون جمعیت بزرگ ترین ایالت آلمان است. در جریان یورش ارتش اسرائیل در دوره ی زمام داری آریل شارون به نوار غزه و ساحل غربی رود اردن که با ویرانی تاسیسات دولت خودگردان فلسطینی و محاصره ی مقر حکومتی پاسرعرفات هم راه بود در جریان انتخابات این ایالت طی انتشار بیانیه ای تبلیغاتی سیاست تجاوزکارانه شارون را محکوم ساخت که چرا تاسیساتی که با کمک مالی دولت آلمان و پول مالیات دهنده گان آلمانی ساخته شده است این چنین ویران می سازد.

با انتشار این بیانیه ی انتقادی بر سیاست تهاجمی اسرائیل، بدون توجه به مضمون منطقی آن، از خودی تا بیگانه به

مویلرمان که در عین حال ریاست انجمن دوستی اعراب و آلمان را داشت تاختند و او را به «آنتی سمی تیست» ضدیت با یهود متهم ساختند. زیرا آنتی سمی تیست چماقی است در دست زمام داران اسرائیلی و بر سر هر منتقدی فرود می آید. دیگر رهبران حزب دموکرات آزاد، حزبی که ادعای دفاع از آزادی های لیبرالی را دارد موضع مویلر مان را به شدت محکوم ساختند و او را به شکل همه جانبه ای زیر فشار گذاشتند تا هم چه گونه گی تامین هزینه یک میلیون یوری این بیانیه تبلیغاتی را بیان کند که آیا از جانب اعراب پرداخت شده و یا از صندوق مالی حزب و هم این که داوطلبانه از حزب کناره گیری کند و چون با مقاومت وی مواجه شدند در صد اخراج اش برآمدند و در یک کلام آن چنان عرصه را بر او تنگ ساختند که جز خودکشی یا تن دادن به خودکشی چاره ای برای اش نماند. بگذریم از این که شایع شد که عوامل موساد در کاپیتی که با آن پرش می نمود دست کاری کرده اند.

مورد دوم به حزب چپ آلمان بر می گردد. هنگامی که یک کشتی شامل کمک های دارونی و انسانی از ترکیه راهی نوار غزه شد و در کنار چند تن از سرنشینان ترک و فلسطینی کشتی که توسط نظامیان مهاجم اسرائیلی در آب های آزاد کشته شدند دو نفر از نماینده گان مجلس فدرال آلمان از حزب چپ این کشور هم حضور داشتند؛ آن چنان این حزب را زیر فشار گذاشتند که چهل و پنج تن از اعضای فراکسیون پارلمانی آن ناچار شدند طی بیانیه ای اعلام کنند که حزب چپ آلمان آنتی سمی تیست نیست و در آینده در چنین آکسیون هائی شرکت نخواهد کرد.

اما خوشبختانه گراس از یک سو نه مقام سیاسی و اداری مهمی دارد که از دست بدهد و از سوئی دیگر از چنان پشتوانه ادبی، فرهنگی و شناخته شده گی برخوردار است که توان پای داری دارد و به اعتبار شخصیتی هم بیدی نیست که از این باد ها به لرزه درآید. وی در برابر درخواست مخالفان دایر بر پس گرفتن بیانیه و در پاسخ به انتقادات تکراری اعلام کرد آزادی بیان حق تضمین شده ی شهروندان آلمانی در قانون اساسی این کشور است و وی به عنوان یک شهروند در بیان عقیده اش آزاد است. اما شنیدنی است که خیلی از شهروندان آلمانی و متولیان مدعی دموکراسی به این اصل توجه ندارند. رئیس جامعه یهودیان آلمان که شهروند آلمان است سخت به گراس حمله نمود و او را به آنتی سمی تیست متهم ساخت. رئیس انجمن دوستی آلمان و اسرائیل هم که خود از چهره های حزب سوسیال دموکرات است بیانیه ی گراس را محکوم نمود. چند نفری از چهره های شاخص حزب سوسیال دموکرات هم اعلام کردند نیازی نیست که گراس در انتخابات آینده در کنار آنان باشد اما کسانی از حزب سوسیال دموکرات و حزب چپ آلمان بیانیه وی را ستودند و این بیانیه در میان اکثریت خاموش شهروندان با استقبال گرمی مواجه شد..

واکنش رهبران اسرائیل هم طبق معمول بسیار حاد و شتاب زده بود و انگار گراس آب در لانه ی مورچه گان ریخت. وزیر امور خارجه ی اسرائیل از کمیته ادبیات نوبل درخواست نمود که جایزه ادبیات نوبل را از گراس پس بگیرد انگار که کمیته ی نوبل کمیته ای است اسرائیلی و جایزه ی ادبیات نوبل هم جایزه ای است در خدمت سیاست تجاوزکارانه اسرائیل! وزیر کشور اسرائیل اعلام کرد گراس حق مسافرت به اسرائیل را ندارد و ناتان یاهو نخست وزیر اسرائیل هم گراس را به آنتی سمی تیست متهم ساخت و گفت آن چه را که گراس در جوانی نتوانسته است انجام دهد اینک در پیری انجام می دهد، اشاره ناتان یاهو به پیشینه گراس است که خود در کتاب این یک صد سال بازگو نموده و در هفده ساله گی در صف اس اس ها از مدافعان برلین بوده است

هم ناتان یاهو و هم دیگر منتقدان این بیانیه به درستی می دانند که این بیانیه ربطی به ضدیت با یهود ندارد و اتهام ضدیت با یهود به گراس نمی چسبد زیرا وی یکی از نخستین کسانی است که در باره ی هولوکوست و سیاست یهودی کشی و یهودی آزاری در آلمان و اروپا قلم زده و از پشتیبانان پابرجای اقلیت یهود در آلمان و جهان است و حتا اسرائیل و جمهوری اسلامی را هم یکی نمی داند. خطاب این بیانیه افکار عمومی آلمان، اروپا، جهان و نهادهای بین المللی است که طرح های جنگ طلبانه ی ناتان یاهو و دیگر رهبران اسرائیل را خنثا و کنترل سلاح های اتمی را از دست آنان خارج سازند.

پیام تابو شکنانه ی گراس در این برش تاریخی که از یک سوی تحریم های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی تشدید می شود و از سوئی دیگر تهدید های نظامی جدی تر، می تواند حامل این قضیه ی مهم باشد که خطر جنگ دیگری در خاورمیانه صلح جهانی را تهدید می کند و کسی نمی تواند پیش بینی کند پایان چنین جنگی به کجا می کشد.

اما این بیانیه خطاب دیگری هم دارد و مورد خطاب رهبران جمهوری اسلامی هستند و از آن جا که گوینتر گراس با محافل سطح بالای سوسیال دموکرات در تماس است چندان دور از ذهن نیست که از تصمیمات پشت پرده خبرهایی داشته باشد و وی با این افشاگری خواسته باشد به مقامات جمهوری اسلامی گوشزد کند که دست از ماجراجویی بردارند و تن به جنگ و اشغال کشور ندهند و به وارونه ی یاهو گوئی های دستگاه های آوازه گی جمهوری اسلامی، بیانیه تنها علیه اسرائیل نیست و جمهوری اسلامی و ماجراجویی جمهوری اسلامی را هم نشانه گرفته و درخواست گراس مبتنی است بر کنترل هر دو جانب درگیری، هم کنترل جمهوری اسلامی و جلوگیری از دست یابی این رژیم به سلاح اتمی و هم بازداشتن اسرائیل از کاربرد سلاح اتمی!

گراس از خطر تجزیه ی ایران دم می زند و بی گمان منظور وی از این تجزیه، احتمال اشغال بخشی از ایران است توسط ایالات متحده ی آمریکا و هم بیمانان ناتو! و این پیام را هم سازمان دهنده گان تظاهرات روز صلح آلمان که در روز دوشنبه نهم آوریل در هشتاد شهر بزرگ و کوچک آلمان برگزار شد به درستی دریافتند و سخن رانان در این اجتماعات از دولت خواستند هم چون ماجرای اشغال عراق پیشاپیش اعلام کند که در جنگ علیه ایران شرکت نخواهد کرد و نیروهای خود را هم از افغانستان خارج سازد.

هم برای اسرائیلی ها و هم برای غربی ها از روز روشن تر است که ایران عراق و یا سوریه نیست که با یک ضربه هوائی تاسیسات اتمی اش نابود شود. آمریکائی ها و اسرائیلی ها که در زمان شاه از مشاوران ارش نظامی و امنیتی بودند می دانند که ایران زاخه های زیادی دارد که در زرفای زمین و زیر کوه ها قرار دارد و احتمال حمله ی متقابل جمهوری اسلامی به تاسیسات نفت حوزه ی جنوبی خلیج فارس و مختل ساختن خطوط نفتی و کشتی رانی و مانع شدن از گسیل آزادانه ی نفت و گاز به بازارهای جهان منتفی نیست. در این صورت برای تامین امنیت نفت مصرفی جهان در حال بحران سرمایه داری جز وارد شدن به یک جنگ فرسایشی و اشغال حاشیه ی شمالی خلیج فارس و دریای عمان چاره ای باقی نمی ماند. بی گمان سرنوشت جنگی به این ابعاد بیش از آن مبهم است که دیوانه گانی از هر دو سوی زمینه ی آن را فراهم سازند. جنگی دامنه دارتر از اشغال افغانستان و عراق و برای ما جنگی ویران گتر از جنگ هشت ساله با عراق با آتاری شوم تر از حمله ی اعراب و مغول!

## راسیسم و شوونیسم لجام گسیخته علیه خلق عرب خوزستان را محکوم می کنیم!

به بیغوله هایی شبیه است که فقط میتوان نظیر آنها در فقیرترین کشورهای آفریقایی سراغ گرفت. کودکان گاه در طویله و بدون هر گونه امکانات تحصیلی، "آموزش" می بینند. زمینهای کشاورزان عرب و لنج های ماهیگیری و حمل کالای این مردمان دانما مورد تعرض نهادهای رنگارنگ رژیم قرار می گیرند. جمهوری اسلامی با شهروندان عرب زبان کشور همچون یک قوم و دشمن خارجی برخورد می کند.

عرب ستیزی اما فقط مختص رژیم اسلامی نیست، مناسفانه در میان بخشی از مردم ایران و اپوزیسیون راست نیز رسوبات عرب ستیزی مشاهد می شود. در بخش قابل توجهی از اپوزیسیون جمهوری اسلامی، ممکن است انتقاداتی به شدت عمل رژیم و سرکوب خونین آن داشته باشند، اما حاضر نیستند به دفاع بی قید و شرط از حق تعیین سرنوشت ملی خلق عرب بپردازند و از برابری کامل نژادی، ملی، سیاسی و اجتماعی آنها حمایت کنند.

سازمان ما از بدو تاسیس از حقوق حقه ملیتهای تحت ستم ایران بویژه خلق عرب حمایت کرده و خواهان برچیدن هرگونه تبعیض علیه آنها بوده است. ما از حق تعیین سرنوشت ملل حمایت می کنیم و خود امیدواریم که در یک مناسبات و جامعه فدراتیو مبتنی بر برابری، آزادی، رفاه و عدالت اجتماعی، عموم ملیتهای تحت ستم و تبعیض ایران به حقوق انسانی خود دست یابند.

بنای چنین جامعه ای که مستلزم سرنگونی رژیم اسلامی سرمایه داری شوونیستی ایران از طریق یک انقلاب حقیقتاً اجتماعی است، تنها راه حفظ و تدووم همزیستی مسالمت آمیز ملیتهای گوناگون کشورمان در موزائیک رنگارنگ ایران است.

**سرنگون باد جمهوری اسلامی**  
**زنده باد حق تعیین سرنوشت ملل**  
**زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم**

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

16 آوریل 2012 - 28 فروردین 1391



بنا بر گزارشات رسیده، مردم و جوانان عرب در چندین شهر و منطقه عرب نشین خوزستان، به مناسبت هفتمین سالگرد اعتراضات (انتفاضه) گسترده مردم ستمدیده عرب در جنوب غربی ایران که منجر به سرکوب خونین و ددمنشانه رژیم شوونیست و عرب ستیز جمهوری اسلامی شد، سلسله تجمعی را در شهرها، روستاها و محلات فقیرنشین و حاشیه ای شهرها برگزار کردند. این اعتراضات حق خواهانه و مسالمت آمیز بار دیگر مورد سرکوب وحشیانه نیروهای مسلح رژیم قرار گرفت که در نتیجه آن تعداد زیادی بازداشت و زخمی شدند و حداقل تا کنون یک نفر کشته شده است.

به گزارش فعالان حقوق بشری از آبادان؛ شهاب حیوی (۲۵ ساله) از اهالی قصبه در نزدیکی آبادان بر اثر شلیک گلوله از سوی نیروهای پلیس در دم کشته شده است. در تظاهرات گروهی و پراکنده در محلات عرب نشین ملاشیه، کوت عبدالله، حی النوره، و شهرهای شیبان و روستاهای مسیر اهواز به ملاتانی (در ۴۵ کیلومتری شمال اهواز) تعداد زیادی از تظاهر کنندگان بازداشت شدند. این عده در حال حاضر در پادگان های اطراف اهواز نگهداری می شوند.

فعالان سیاسی خلق عرب در گزارش های خود از تیراندازی نیروهای انتظامی در یک ایستگاه بازرسی به سوی عابرین خبر دادند، این گزارش ها حاکی است که پس از تیراندازی نیروهای انتظامی به سوی اتوموبیل های شخصی، ساکنان محل نزدیک با سنگ و چوب به سوی نیروهای انتظامی در این ایستگاه حمله کرده و ۳ تن از نیروهای پلیس را به شدت زخمی و روانه بیمارستان کردند. نیروی انتظامی بعد از این حادثه به تعداد نیروهای خود و گشت های ویژه در مسیر ملاتانی به اهواز اقدام کرده است.

جمهوری اسلامی ایران که در دو ساله اخیر همزمان با قیام مردم کشورهای عربی موسوم به "بهار عرب" خود را (به استثنای سوریه) حامی این انقلابات نشان داده و در وصف ستمی که بر مردم در کشورهای استبداد زده عربی می رود، آه و ناله سر داده، خود در طول بیش از سه دهه از حاکمیت مبتنی بر استبداد سیاسی - مذهبی و شوونیستی خویش، وحشیانه ترین تبعیضات و سرکوبها را علیه میلیونها تن از شهروندان عرب ساکن جنوب و جنوب غربی ایران روا داشته است. این رژیم که ستم ملی و فرهنگی سیستماتیک را علیه ملیتهای رنگارنگ ایران نظیر آذریها، ترکمن ها، بلوچها، کردها و غیره اعمال می کند در مورد اقلیت ملی عرب، این ستم ملی را با ستم هیستریک نژادی نیز توأم کرده است. حکام رژیم اسلامی اگر چه در راستای ترویج ایدئولوژی ارتجاعی اسلامی خود سخت به قران و دیگر متون عربی وفادارند و یک لحظه از آموزش و تبلیغ آنها غفلت نمی کنند، به هیچوجه این حق را برای صدها هزار کودک و جوان عرب ایران قائل نیستند که در مدارس و دانشگاهها به زبان مادری خود آموزش ببینند.

از سویی دیگر خلق عرب ایران که عمدتاً در خوزستان زندگی می کنند علیرغم برخورداری منطقه شان از منابع و ثروت عظیم نفتی (که بدون آن رژیم و کل اقتصاد ایران فلج خواهد شد) از کوچکترین امکانات رفاهی برخوردار نیستند. فقر و بیکاری در مناطق عرب نشین بیداد می کند، خانه های مردم

## آگهی رادیو تلویزیون برابری



### اینترنت :

در صورت عدم دسترسی به تلویزیون ماهواره ای ،  
میتوانید از طریق اینترنت نیز برنامه های تلویزیون  
برابری را مشاهده کنید .

1- بطور زنده در ساعات ذکر شده ، در سایت تلویزیون  
پیام افغان

[www.payameafghantv.com](http://www.payameafghantv.com)

2- به صورت آرشیو ، در سایت رادیو - تلویزیون  
برابری و نیز سایت راه کارگر :

[www.radiobarabari.com](http://www.radiobarabari.com)

[www.rahekaregar.com](http://www.rahekaregar.com)

توجه : بینندگان عزیز تلویزیون برابری دقت کنند که سالی  
دو بار - در پانز و بهار - بطور ناهمزمان در ایران ،  
اروپا و امریکای شمالی ساعات تغییر می کنند که البته  
هر بار پس از چند هفته ، ساعات این سه منطقه یکسان  
می شوند .

**رادیو تلویزیون برابری** ، تریبونی است برای  
درهم شکستن دیوار سانسور و اختناق برای  
انعکاس طنین مبارزات کارگران و همه  
مزدبگیران، بیکاران، محرومان، زنان، ملیتها،  
اقلیتهای قومی و مذهبی، جوانان و روشنفکران  
ایران و ... که برای آزادی و برابری پیکار میکنند  
!

برنامه تلویزیون برابری روی شبکه تلویزیون " پیام  
افغان" به ترتیب زیر از ماهواره های هات برد و تل  
استار پنج پخش می شود.

### مشخصات ماهواره :

ماهواره هات برد: 13 شرقی، فرکانس 11179، سیمبل  
ریت 27490 ، پولاریزاسیون ، اف.ای.سی

### ساعت ماهواره هات برد در ایران و اروپا :

جمعه ها ده ونیم تا یازده و نیم صبح به وقت ایران  
برابر با ساعت هشت تا نه صبح به وقت اروپای مرکزی  
. بازپخش آن؛ همان روز جمعه ساعت شش ونیم تا هفت  
ونیم بعد از ظهر به وقت ایران و ساعت چهار تا پنج بعد  
از ظهر به وقت اروپای مرکزی

### ساعت ماهواره تل استار پنج در آمریکا و کانادا:

پنجشنبه ها یازده تا 12 شب به وقت غرب آمریکا و کانادا  
و یا 2 تا 3 بامداد جمعه به وقت شرق آمریکا و کانادا.  
بازپخش آن؛ جمعه ساعت هفت تا هشت صبح به وقت  
غرب آمریکا-کانادا و یا ده تا یازده صبح به وقت شرق  
آمریکا - کانادا

سایت رادیو- تلویزیون برابری

[www.radiobarabari.com](http://www.radiobarabari.com)

ایمیل رادیو برابری

[info@radiobarabari.com](mailto:info@radiobarabari.com)

ایمیل تلویزیون برابری

[info@barabar.tv](mailto:info@barabar.tv)

تلفن پیام گیر تلویزیون برابری

49 - 511- 2617492

همچنین میتوانید از طریق دو شبکه اجتماعی  
یوتوب و فیس بوک ، برنامه های برابری را  
ملاحظه کنید .

تلویزیون برابری در YouTube

فیس بوک برابری

**توجه :** " سخن هفته " بیانگر موضع  
سردبیری برابری است ، سایر گفتارها و  
مصاحبه ها بیانگر مواضع فردی افراد  
است و لزوما موضع رسمی سردبیری  
رادیو تلویزیون برابری را منعکس  
نمیکنند.